

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۳
چهارشنبه ۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۶ صفر ۱۴۰۱، به ۱۵ ریال

حکومتی برای مستضعفان

«چه میکردند آنها بامردم... دولت مقابل ملت بود... مردم با دستگاههای دولتی مطلقا مخالف بودند... حالا توجه به این معنی باشد که باید اینها، حکومت، در خدمت مردم باشند... باید مردم را نگهداریم... این کشاورزها و کارگرها... این قلبهای صاف و پاک... این مردم کوچک و بزرگ».

«ملت همین جمعیت کوچک و بزرگ و خیابانهاست و همین جنوبشهریها... دولت و اتباع دولت خدمتگزار به ملت هستند نه آقای ملت».

«طریق اسلامی اینست که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجهشان به آنها باشد. در طول تاریخ حمایت حکومتها از قلدرها بوده است. شما هر حکومتی را که در این دوهزار و پانصدسال دوران ظلمت در نظر بگیرید، هر حکومتی هر چه عادل بوده، هر چه جنتمکان بوده، همه را در نظر بگیرید... پیدا نمیکنید يك حکومتی که برای مستضعفان باشد، برای این کوچک و بزرگها باشد، برای این پارهها باشد. هر چه بودند برای ملکه دارها و برای قدرت دارها برای سرمایه دارها، برای روسا و خانها، هر چه بود، برای آنها بود».

«ملت همین جمعیت کوچک و بزرگ و خیابانهاست و همین جنوبشهریها... دولت و اتباع دولت خدمتگزار به ملت هستند نه آقای ملت».

(امام خمینی، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹)

طرحی ضروری که فوراً باید به اجرا درآید

هر چه زودتر مواد اولیه و مواد ضروری صنایع کشور باید به وسیله دولت وارد و توزیع شود

دبیر ستاد بسیج اقتصادی، در گفتگوی خود با خبرنگار روزنامه «اطلاعات»، اعلام داشته است که طبق طرح تصویبی، تأمین مواد اولیه و مواد ضروری صنایع زیر نظر شورائی مرکب از وزارت بازرگانی، جهاد سازندگی و سازمان صنایع ملی کشور قرار خواهد گرفت. طبق اطلاع دبیر ستاد بسیج اقتصادی، این طرح بوسیله جهاد سازندگی مطرح شده و در جهت اجرای بخشی از اصول قانون ملی شدن بازرگانی خارجی مورد تصویب قرار گرفته است. طرح پیش بینی می کند که مواد اصلی و مواد اولیه برای صنایع کشور توسط شورائی مرکب از جهاد سازندگی، وزارت بازرگانی و سازمان صنایع ملی وارد و توزیع شود. طبق طرح، مرکزی بنام «مرکز هماهنگی تأمین مواد اولیه و مواد ضروری صنایع» ایجاد می شود، که وظیفه وارد کردن و توزیع این مواد را بعهده خواهد داشت. پرداختن دولت به مسئله واردات مواد اولیه و مواد ضروری برای صنایع بقیه در صفحه ۴

طرح امریکا برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس خطر پیست جدی و فوری

وارد عمل کند و چون این سه جزیره در داخل تنگه هرمز قرار دارد و خطرناک است، ما به همه کشورهای منطقه اطلاع می دهیم مراقب بازی ابر قدرت آمریکا باشند. ممکن است که يك اختلاف و مسئله ای را علم کنند و کافیت يك گلوله اینجا شلیک شود و بهانه بدست آمریکا بیفتد برای مداخله، این مداخله بسود هیچک از ملت های منطقه نیست و این ملتها باید بیدار باشند».

(صبح آزادگان، ۱ دیماه ۵۹)

این اخطار از جانب وزیر مشاور و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، اخطار پیست جدی و فوری است. اما خطر مداخله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران جدی تر از آنست که تنها با اخطار و هشدار دادن بتوان از وقوع آن جلوگیری کرد. چنانکه بارها در نامه مردم، روی این مطلب تأکید شده است.

تدارکات جنگی آمریکا و تمرکز نیروهای عظیم دریائی و هوائی آن در منطقه خلیج فارس، بسا هدف مشخص و مستقیم تهدید و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و تقویت ضد انقلاب داخلی و رژیمهای ارتجاعی منطقه در توطئه هایشان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام میگیرد، و لذا باید آنرا خطری واقعی و جدی تلقی کرد. خبر بقیه در صفحه ۴

نقشه «سیا» برای ایجاد جنگ داخلی در ایران

سپاه پاسداران اصفهان فاش کرد: نقشه «سیا» برای ایجاد جنگ داخلی در ایران

رئیس سازمان «سیا»: تمام تخمهای يك جنتک داخلی در ایران کاشته شده است.

سازمان «سیا» نقشه و عکسهای هوائی فرودگاهها و پایگاههای هوائی ایران و اسامی خلبانان ایرانی را در اختیار دارد.

سپاه پاسداران اصفهان یکی دیگر از اسناد دایره اسفغان را، که پرده از نقشه ایجاد جنگ داخلی در ایران توسط سازمان سیا و عوامل داخلی آن بر میدارد، منتشر کرد.

بقیه در صفحه ۴

آزادی چیست؟ و حدود آن کدام است

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی

نیروهای انقلاب، دشمن را از چند موضع در جبهه های جنوب عقب راندند

۳۰ دیماه ۵۹ و نیز اول دیماه ۵۹ از جمله آمده است: ۱- در جبهه آبادان در نتیجه بقیه در صفحه ۴

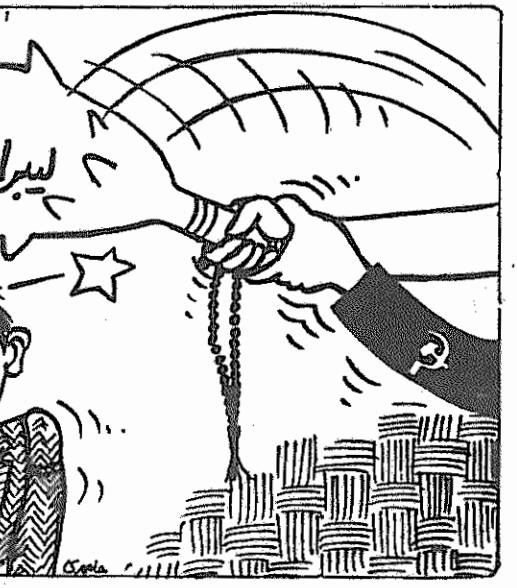
۳۰ دیماه ۵۹ و نیز اول دیماه ۵۹ از جمله آمده است: ۱- در جبهه آبادان در نتیجه بقیه در صفحه ۴

همدردی با روستائیان زلزله زده دهات اطراف قم

در شرایطی که مردم میهن ما درگیر نبرد بیامان با تجاوزگران صدامی و مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا هستند، قهر طبیعت بار دیگر چهره زشت خود را نشان داد و در مناطق استان مرکزی و بخصوص در روستاهای اطراف قم، خسارات و تلفاتی بر مردم زحمتکش و دلاور ما وارد آورد.

خبرگزاری پارس، به نقل از فرمانداری قم، گزارش داد: (دوشنبه) در قم و دهات اطراف آن، خسارات جانی و مالی ببار آورده است. این گزارش حاکیست که در دستجرد، ۱۰۰ تن مجروح شدند. در «ککک»، «خلیجان»، «نوقل لوشاتو»، «وشنو»، «کرمچه گان»، «فوردو»، «گیسو» آباده واقع در جاده تفرش، همچنین در «قاسی بالا»، «حاج خاتون» و «کلاغ نشین» نیز تلفات و خساراتی وارد آمد.

پس از این زلزله، از سوی اورژانس قم و بیمارستان نکویی



میزان، ۵۹۹۱۰۳

توطئه علیه جان آیت الله موسوی اردبیلی را بشدت محکوم میکنیم

دبیر روز اعلام شد که هنگامیکه آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، عازم محل کار خود بوده، بر سر راه ایشان - در تقاطع خیابان ۱۶ آذر و فرصت - بمبی منفجر شده است که خوشبختانه آسیبی به ایشان وارد نیاورد.

حزب توده ایران این توطئه ضد انقلابی را بمنابه نمونه ای از توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش علیه روحانیت مبارز و بیروخط امام ارزیابی و بشدت آنرا محکوم میکند.

ما از مقامات مسئول ملیتیم که با پیگیری جدی این واقعه و شناسائی و تعقیب و مجازات توطئه گران، کانون های ضد - انقلابی را سرکوب کنند.

وزیر کشاورزی دولت موقت، متقاضی «کارت سبز» دولت آمریکا!

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام سندی را فاش کرده اند که بر طبق آن، علی محمد ایزدی، وزیر کشاورزی دولت موقت، کمی پیش از پیروزی انقلاب، از دولت آمریکا تقاضای «کارت سبز» کرده است!

متن سند، که در روزنامه صبح آزادگان (۱۳۵۹/۱۰/۲) انتشار یافته، بشرح زیرین است:

«فرستنده نامه علی محمد ایزدی گیرنده کسول آمریکا بخش وی. آی مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی شیراز - ایران سفارت آمریکا صندوق پستی ۵۰ ۹ ژوئن ۱۹۷۸ مطابق با ۲۰ خرداد ۵۷ تهران - ایران عالیجناب:

در طول اقامت در آمریکا (سپتامبر ۱۹۶۸ تا اوت ۱۹۷۴) من بسیار تحت تاثیر امریکالیها قرار گرفتم. مخصوصا حسن بقیه در صفحه ۸

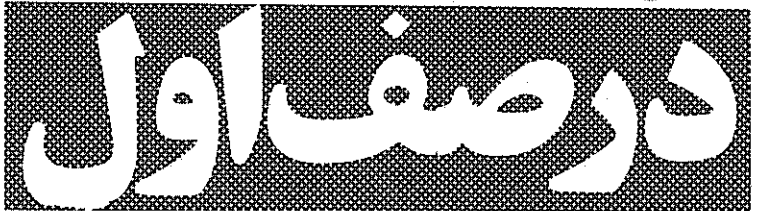
موضع آیت الله منتظری در مورد مجاهدین خلق در جهت اتحاد نیروهای انقلابی و منطبق بر مصالح انقلاب است

فقه عالیقدر آیت الله منتظری، در يك مساحه مطبوعاتی در تاریخ ۳۰ آذرماه ۵۹، نقطه نظرهای خویش را راجع بسنه سازمان مجاهدین خلق مطرح کردند و از جمله گفتند: بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ارمغانی به شهیدان توده‌ای



این سنت دیرینه برای صدمین بار
گسار پای وطن باشد، در سنگر ایثار
بر ملت رزمنده ما گشت پدیدار:
آماده شود توده‌ای اندر صف اول

آن خصم وطن، دشمن آزادی ملت
بر بست پسا از ره کین وصله و تمهت
گفتند که ما دشمن دین و وطنستیم
بسریش و بیگانگی و بیگانه‌پرستیم

لیکن رفقا! نور صداقت نشود تار
صدق است و سرانجام پدیدآرد انوار
ما راه نجات وطن و خلق شناسیم
بسی پاک پراه شرف خلق پیاسیم

این است ره ما که ره عشق پذیریم
پا از ره خود تا به ابد باز نگیریم
باز در گسار امروز پمیدان شجاعت
فخر است اگر بهره ما گشت شهادت

ادم‌خور و خائن صفت و اهرمنستیم
گفتند و نوشتند دوصد یاهوه و مهمل
خورشید نماند به پس ابر گرفتار
حق است و ظفر مندی آن هست مسجل

از تهمت و بدگویی دشمن نهراسیم
ما را نکند توطئه خصم معطل
جانانه بجنگیم و دلیرانه بمیریم
پر ما شده این سنت دیرینه محمول

در سنگر آزادگی میهن و ملت
ما رهرو این ره شکریم از اول
د. مظفر

هر چه زودتر...

بچه از صفحه ۱
کنکور، اقدامی است فوق‌العاده ضرور، که اگر چه با تأخیر بسیار صورت می‌گیرد، لیکن در ضرورت آن جای کمترین تردیدی نیست. در واقع از همان روز پس از انقلاب باید مسئله واردات مواد اولیه و مواد اصلی برای صنایع کشور مورد توجه قرار می‌گرفت و دولت راساً اقدام به انجام اینکار می‌نمود. این یک ضرورت فوق‌العاده مبرم برای ادامه حیات صنعتی کشور و جلوگیری از رکود و وقفه در کار آن بود.

متأسفانه به این مسئله حیاتی توجه کافی مبذول نشده. مسئله واردات مواد اولیه و کالاهای اصلی صنایع بعنوان بخشی از کار مهم ملی کردن بازرگانی خارجی، به کشمکش‌های دفاع از مواضع سرمایه‌داری وابسته در اقتصاد ایران گرفتار آمد و، بقول معروف شد، آنچه نسیبستی بشود، سرمایه‌داران و بازرگانان وابسته با اختلال در امر واردات مواد اولیه و کالاهای اصلی لازم برای گردش چرخ صنایع کشور، عملاً ضربه بسیار سنگینی به این عمده‌ترین بخش اقتصاد ملی کشور وارد ساختند. هم‌اکنون ما ناظر تأثیر این خرابکاری هستیم، که متأسفانه به کاهش تولید در بسیاری از واحدهای صنعتی و حتی توقف و رکود کامل کار برخی از آنها انجامیده و صنایع ایران را در برابر خطر جدی کمبود و اختلال در امر واردات مواد اولیه، ابزارآلات، ماشین‌آلات و کالاهای اصلی دیگر قرار داده است.

اما همانطور که در ضرب‌المثل معروف گفته می‌شود: «از هر کجا ضرر بگیری، نفع است»، باید سریعاً اقدام کنیم و هر چه زودتر مشکل کمبود مواد اولیه و کالاهای اصلی را از سر راه صنایع کشور برداریم.

طرح بسیج اقتصادی در این زمینه طرحی کاملاً کارساز است، بویژه که سازمانهای آشنا به مشکلات کنونی صنایع، نظیر سازمان صنایع ملی‌شده، جهاد سازندگی و وزارت بازرگانی، مجری انجام وظایفی خواهند بود، که اجرای آنها از بسیاری جهات، از نظر تأمین ادامه کار و توسعه صنایع که بسیار ضروری است.

باید دانست که: اولاً وضع کمبودهای مواد اولیه و کالاهای اصلی مورد نیاز صنایع کشور چنانست که باید با سرعت عمل بسیاری این کمبودها مرتفع گردد، فقط دولت و سازمانهای آن هستند که می‌توانند با استفاده از امکانات خود، مسئله‌های به این مهمی را هر چه سریعتر حل و فصل کنند. بخش خصوصی نه فقط چنین امکانی را ندارد، بلکه تجربه دوساله پس از انقلاب نیز گواهی می‌دهد که در واقع میل به چنین کاری را ندارد. هدف بخش خصوصی اینست که با کارشکنی در ادامه حیات صنایع کشور، این نظریه را به اثبات برساند که، دولت تاجر خوبی نیست - ملی گردنبا و دولتی مجدداً صنایع به سرمایه‌داران بازگرداندند نشود، گویا خروج کشور از بحران رکود صنعتی میسر نخواهد بود.

ثانیاً در مرحله کنونی، بازسازی و نوسازی صنایع کشور، باید بر مبنای تأمین استقلال اقتصادی و رفع نیازمندی‌های درجه اول در داخل کشور صورت

نگوین جیاب: کشورهای تازه استقلال یافته باید علیه امپریالیسم و برای حفظ صلح جهانی متحد شوند

نگوین جیاب عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست و معاون نخست‌وزیر ویتنام در الجزایر با رهبران این کشور درباره مسائل جهانی و روابط دو کشور مذاکره کرد. جیاب طی نطقی در ستاد جبهه آزادیبخش ملی الجزایر گفت: کشورهای تازه استقلال یافته بایست علیه امپریالیسم و برای حفظ صلح جهانی متحد شوند، زیرا بدون صلح، استقرار نظام اقتصادی جدید و عادلانه نمی‌تواند تحقق یابد. نگوین جیاب تأکید کرد: کشورهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی به‌سابقه تسلیحاتی حاکم می‌نهند، کانونهای تشنج ایجاد می‌کنند و لازم است خلقهای جهان سوم، برای صلح و عدالت و مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی و پایان دادن به ماجراجوییها متحد شوند.

جیاب یادآورد شد: دویتنام کشوری است که به نیروی خود متکی است بدون آنکه کمک کشورهای برادر و دوستان را فراموش کند.

نقشه «سیا» برای...

بقیه از صفحه ۱
این سند نشان می‌دهد که سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) نقشه‌ها و عکس‌های هوایی از فرودگاهها و پایگاههای هوایی ایران در دست داشت. این سند همچنین حاکی است که امپریالیستهای آمریکایی اسامی خلبانان ایرانی را نیز در دست داشتند و درصدد بودند در ارتباط با گروههای مسلح فدائیان، جنگ داخلی برپا سازند و انقلاب ایران را نابود کنند. در این سند، که تاریخ آن ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ است استاسفیلد ترنر، رئیس سازمان جاسوسی آمریکا، از طریق سرهنگ میلتن، د. سولویان به خلیل رزم‌آرا، کشیش مسیحی دایره اوقفتی اسفهان، که با سازمان سیا در ارتباط بوده، نوشته است: «تمام تخصیصهای یکجنگ داخلی در ایران کاشته شده است.»

ترنر اضافه کرده است: «ما (سیا) اسلحه‌های زیادی داریم و گروههای بسیاری در ایران وجود دارند که آماده جنگ هستند و مطابق گزارش، ما بسیار نزدیک به موفقیت و پیروزی هستیم.»

ترجمه این سند، که متن اصلی آن در شماره دیروز (۱۳۵۹/۱۰/۱۷) کیهان چاپ شده، بشرح زیر است:

دایره اوقفتی
اداره کل پشتیبانی هوایی آمریکا از ایران
تشکلات مردم آمریکا سوبزرگ ۹۲۵۵
سراسره شماره ۵۸/۲۳/۲۹

کشتن محترم خلیل رزم آرا
کلسای مقدس پولیس تهران ایران

خلیل وزیر، سازمانتفکر از سرکاری نقشه‌های سیاسی شما، نقشه‌های هواپیمایی و اسلحه‌های هواپیمایی نظامی - لیبسی خلبانان ایرانی (تیمت سربو هوایی) و - مسکروسلیم های اسلحه‌های هوایی و اسلحه‌های تمام تمام های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است. ما تجهیزات زیادی در برابر شما، گروههای بسیاری در ایران وجود دارد، همه آماده جنگ طبق گزارشات، ما فرانسوا سوسوفسسه هستیم، برای پیروزی، سابرارلسی سا اسانسفلسدترس مسکوبیداس اسکان سست اما مسعت ترحوام کوبید، سابران از روی مرمت نظرلطف خودتان را امرت کسدسرف اس موعوس سری وموجت امتان اسکسکس سوبدی ارضا حسراوگزارشات، داشته‌ها شسم، عکسهای هوایی امرتورگاها و ما کابهای سربو هوایی ارضا درسامت کسب، بسوسه: رزمناشکروا هم کرده ارا اتمسدانه - سرسک ملتسون، - سولویان

در جبهه‌های جنوب: بریتیب (دوشنبه) برائرتش توپخانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، چندسنگر گرهی و افرادی دشمن در میدان واقع در حاشیه جاده آبادان - ماهشیر منهدم شد و عده‌ای از مزدوران عراقی بپلاکت رسیدند. بنابه این گزارش یکشنبه نقل و انتقالات بسوسله مزدوران عراقی در بخش شمال غربی رودخانه بهمنشیر در مجاورت روستای فیاضیه مشاهده شد، که حکایت از عقب‌نشینی دشمن داشت.

مزدوران صدام با توپخانه سنگین طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه شهر آبادان را هدف توپخانه دوربرد قرار دادند که در نتیجه به چندخانه خسارات وارد آمد.

خبرنگار خیرگزاری پارس، در تماسی با سخنگوی امدادگران آبادان کسب اطلاع کرد که: روز دوشنبه یک غیرنظامی در اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن به شهادت رسیدو ۱۹ نفر مجروح شدند، که ۱۳ نفر بسترى و بقیه به گزراش خیرگزاری پارس

گیرد و نه بر اساس سودهی کاذب، که باز صنایع ما را به وابستگی خواهد کشانید. تنها تمرکز امر واردات مواد اولیه و مواد اصلی در دست دولت و سازمانهای دولتی است که می‌تواند به مقاصد اساسی اقتصادی انقلاب در زمینه احیاء صنایع در جهت تأمین استقلال واقعی آن جامعه عمل بپوشاند. باقی‌ماندن این کار مهم در دست بخش خصوصی این خطر عظیم را دارد که احیاء فعالیت صنعتی را مجدداً در همان کتال سابق، یعنی سوددهی کاذب و وابستگی به خارج و به انحصارات امپریالیستی سوق خواهد داد.

ثالثاً، با شرایطی که از لحاظ محدودیت‌های ارزی برای کشور پیش آمده و با ضرورتی که صنایع برای دریافت مواد خام و کالاهای اصلی وارداتی خود با قیمت‌های نازل و مساعد دارند، تحقق این هدفها فقط از راه تمرکز و انحصار واردات مواد اولیه و توزیع آن در دست دولت ممکن است. دولت و سازمانهای آن قادرند که مواد اولیه و کالاهای اصلی صنایع را با حداقل هزینه و با نازلترین قیمت، از کشورهای که ما را در محاصره اقتصادی قرار ندهاند، تهیه کنند و با کمترین میزان سود و بهره‌گیری در اختیار صنایع قرار دهند. این امر، اهم مهمی است که در پائین آوردن هزینه تولید کالاهای صنعتی در داخل کشور، که بنوبه خود به قدرت رقابت تولیدات داخلی می‌افزاید، بخش خصوصی بی‌بوجه قادر به چنین کاری نیست و ادامه تسلط آن بر واردات مواد اولیه صنایع و کالاهای اصلی و ضروری آن باعث می‌شود که این مواد با قیمت‌های سنگین و تقلبی از خارج خریداری و در دریافت سودهای کم‌ترشکن به کارخانه‌ها تحویل شود، که بالمال به ورشکستگی آنان خواهد انجامید. ادامه فعالیت بخش خصوصی در این زمینه باعث می‌شود که قدرت رقابت محصولات صنعتی تولیدی در داخل بازم بیشتر کاهش یابد و زمینه مساعدتری برای ادامه ورود کالاهای مصرفی خارجی بدخل، که مورد توجه سرمایه‌داران و بازرگانان وابسته، فراهم آید.

بیرامون ضرورت اقدام سریع به دولتی کردن واردات مواد اولیه و کالاهای اصلی مورد نیاز صنایع بیش از این می‌توان گفت و نوشت. لیکن همین مختصر نشان می‌دهد که تا چه اندازه اقدام سریع به تمرکز کلیه اسباب واردات مواد اولیه و کالاهای اصلی مورد نیاز صنایع و توزیع دولتی آنها امری ضروری و حیاتی است.

در ضرورت کاری که ستاد بسیج اقتصادی وعده انجام آن را داده است، جای کمترین تردیدی نیست. تنها باید به دولت انقلاب توصیه کرد که این کار مهم و حیاتی راه، که سرنوشت سزیمت به‌جا آرد، در آرد، بدرستی می‌توان گفت که حل بسیاری از مشکلات گرهی اقتصادی نظیر کمبود کالا، بیکاری و کاهش تولیدات صنعتی در گرو آنست که چگونه ستاد بسیج اقتصادی عمل کند و تا چه پایه سریعتر وعده بدست گرفتن واردات مواد اولیه و مواد ضروری صنایع کشور و توزیع دولتی آن را به انجام رساند.

بسیار ضروری است.
باید دانست که: اولاً وضع کمبودهای مواد اولیه و کالاهای اصلی مورد نیاز صنایع کشور چنانست که باید با سرعت عمل بسیاری این کمبودها مرتفع گردد، فقط دولت و سازمانهای آن هستند که می‌توانند با استفاده از امکانات خود، مسئله‌های به این مهمی را هر چه سریعتر حل و فصل کنند. بخش خصوصی نه فقط چنین امکانی را ندارد، بلکه تجربه دوساله پس از انقلاب نیز گواهی می‌دهد که در واقع میل به چنین کاری را ندارد. هدف بخش خصوصی اینست که با کارشکنی در ادامه حیات صنایع کشور، این نظریه را به اثبات برساند که، دولت تاجر خوبی نیست - ملی گردنبا و دولتی مجدداً صنایع به سرمایه‌داران بازگرداندند نشود، گویا خروج کشور از بحران رکود صنعتی میسر نخواهد بود.

ثانیاً در مرحله کنونی، بازسازی و نوسازی صنایع کشور، باید بر مبنای تأمین استقلال اقتصادی و رفع نیازمندی‌های درجه اول در داخل کشور صورت

دشمن در محور آبادان - مارد بکلی منهدم شد و تعدادی از مزدوران صدام بپلاکت رسیدند. در منطقه دارخوون، ۲۴ سنگر گروهی دشمن نابود شد که در نتیجه ۱۰ تن از سربازان صدام کشته و ۴ تن زخمی شدند و در جبهه مارد یک قبضه توپ سبک و یک انبار مهمات قوای کفر به آتش کشیده شد.

۲- در منطقه زرفول با تلاش پرسنل فداکار هواییاتی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هواپیروز) و با کمک آتش توپخانه نیروهای هوایی، ۲ دستگاه توپخانه ۳ دستگاه نفرین، یک عراده توپ ۱۳۰ میلیمتری، یک قبضه خمپاره‌انداز، یک دستگاه تانکر آب، ۳ چادر مهمات، یک دستگاه آتشپزخانه صحرائی و مقداری از تجهیزات انفرادی دشمن نابود شد. در این عملیات ۵ تن از کافران کشته شدند و ۱۷ تن از آنان زخمی گردیدند.

۳- در جبهه دوبرحان ضابطات وارده به دشمن، سه دستگاه تانک، یک دستگاه نفرین، یک دستگاه کامیون و یک انبار

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران یک پست مخابرات و یک دستگاه خودروی نظامی و چندین سنگر

موضع آیت‌الله منتظری در مورد مجاهدین خلق مورد تأیید کلیه نیروهای انقلابی و مسئولی است که به سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران علاقمندند. از اختلاف و تفرقه میان نیروهای انقلابی صرف‌نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، که همگی برای استقلال، آزادی، سعادت و رفاه مردم رنجیده ایران و علیه توطئه‌های دشمن شماره یک آن، یعنی امپریالیسم آمریکا و وابستگان و دست‌اندرکاران داخلی آن، می‌زمنند و قلوب آنها بخاطر مستضعفین و علیه مستکبرین می‌طبند، فقط دشمنان خلق، یعنی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی بهره‌گیرند.

ما از همه نیروهای انقلابی و همه مقامات مسئول می‌خواهیم که به این موضع انسانی و انقلابی و وحدت‌طلبانه فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری پاسخ مثبت بدهند و از اقداماتی که موجب تفرقه و به‌زیان اتحاد است، قاطعانه بپرهیزند.

و مسئولان آیت‌الله منتظری را در جهت تأمین و تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی، با گامی بهمان اندازه مثبت و مسئولانه پاسخ دهند و در جهت تأمین و تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی، که برای ضدانقلاب مهملک و برای انقلاب شفابخش و محرک است، گام بردارند.

طرح آمریکا...

بقیه از صفحه ۱
مربوط به طرحهای نظامی آمریکا برای اشغال سه جزیره ایرانی در خلیج فارس بار دیگر مویده این واقفیت و حاکم از آنستکه امپریالیسم آمریکا در تدارک اجرای طرح توطئه جدید خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مسئله‌مداخله نظامی مستقیم را در دستور روز قرار داده است. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان، منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به بزرگترین مرکز تجمع و استقرار واحدهای نیروی دریایی و هوایی امپریالیسم آمریکا تبدیل گردید. طرح تشکیل نیروهای ۱۱۰ هزار نفری، «راکتس سریع»، که مه‌دتها بود در وزارت دفاع آمریکا تهیه شده و در دست بررسی بود، به‌مورد اجرا درآمد. این نیرو از واحدهای هوایی، تکنیکداران دریایی و واحدهای هوانیروز تشکیل گردید و پس از اجرای برنامه‌های آموزشی، واحدهایی از آن به پایگاههای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس انتقال داده شدند و در این پایگاهها استقرار یافتند.

اکنون در آبهای خلیج فارس، دریای عرب و تنگه هرمز ۳۰ ناو جنگی، دو ناو هواپیمابر به‌نامهای «ایزن‌هور» و «کوئینسلین» ناو هلیکوپتر «کوئادال کاتال» به همراه ۵ ناو جنگی با ۱۸۰۰ نفر تکنیکدار دریایی مستقر هستند. علاوه بر این، امپریالیسم آمریکا در مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، ترکیه، سوئالی و کنیا پایگاههای نظامی جدیدی احداث کرده و تمام تاسیسات نظامی آتش این کشورها را در اختیار خود گرفته است.

موضع آیت الله منتظری...

بقیه از صفحه ۱
«من... شخصاً گفته‌ام اینها اشتباهاتی دارند. بخصوص از جوانانی هم که هواخواه آنها هستند، جوانانی یا احساسات پاک هم هستند، منتی چیزی که هست، به اشتباه افتاده‌اند، از جبهه خواسته‌ام و می‌خواهم که سعی نکنند که از جدا شدن هم جمع و جامعه خودداری کنند تا دشمنان سوء استفاده نکنند... بیایند در اجتماعات شرکت کنند و همان شعار وحدت را بدهند و به برادران و خواهران دیگر توصیه می‌کنم که آنها را با آغوش باز بپذیرند، چون آنها بچه‌های خودمان هستند. از خارج که نیستند. بچه‌های این کشورند. مجاهدین خلق هم از همین کشورند. ما به آنها علاقه داریم، بچه‌های مسلمانند. هواداران اینها تقصیر هم ندارند. احساساتشان احساسات تندی است که در اثر احساسات تند فرض بگیرند خیال می‌کنند این روش صحیحی است. برای اینکه اختلافات تمام شوند، هم به آنها توصیه می‌کنم در اجتماعات شرکت کنند و هم به ملت توصیه می‌کنم که با آغوش باز آنها را بپذیرند و حرفهایی که موجب رنجش آنها میشود، بزبان نیاورند.»

آزادی چیست؟ حدود آن کدام است؟

ماطر فداران تقدم
آزادیهای اجتماعی
بر فردی، ولی
در عین حال
هوادر جدی
آزادیهای فردی
در چارچوب
آزادیهای
اجتماعی هستیم

یکی از برجسته‌های ساخت
امریالیسم علیه سوسیالیسم علمی این
است که گویا آقایان (امریالیست‌ها)
مدافع جان سوخته آزادی‌ها هستند و
مارکسیست‌ها آن را، این موهبت بزرگ
اجتماعی را، انکار می‌کنند و نوعی
"بردگی امروزی" را به‌بانه جامعه -
گرای، علم می‌سازند!

از زمان باکوین و شیرینر، اندیشه -
پردازان آنارشیست خرد بورژوازی در
سده نوزدهم، این دعاوی را علیه
مارکس و انگلس، بمیان آوردند و تا
امروز ادامه دارد. امروز هم لیبرال‌های
ما همین تفاله کهنه را نشخوار می‌کنند و
خود را پاسداران آزادی و انقلابیون
مارکسیست را پامال‌کنندگان آن جلوه
می‌دهند.

در مطبوعات حزب ما این نکته بارها
مطرح شده است. سخن ناگفته‌ای در این
میان نمانده است. ولی چون دعوی و
تهمت تکرار می‌شود، ناچار پاسخ علمی
بدان نیز باید تکرار کرد.
آزادی چیست؟ حدود آن کدام
است؟ می‌گوئیم تا آن را با استدلالات
علمی روشن سازیم:
تعریف علمی آزادی چنین است:
آزادی جبر شناخته شده است. عمل
انسان است بر طبق این شناخت، بر طبق
امکانات خود، توانایی انسان است
برای انتخاب کردن.
با آنکه مارکس و انگلس حرکت تاریخ
طبیعت و تاریخ انسان را دارای قوانین
درونی می‌دانستند، ولی بر آن بودند
که:

اولا این قوانین را انسان می‌تواند
بشناسد و موافق آن عمل کند و با استفاده
از آن‌ها، برداشته آزادی خود بیافزاید
و آن قوانین را به خدمت خود بگمارد؛
ثانیا آنچه که بسیار مهم است،
اعتقاد مارکس و انگلس به وجود قوانین
در اجتماع، ایدئال یعنی تقدیر آمیز بودن
و محتوم بودن بی‌بر برگرد مسیروندها
و حوادث نیست. آنان عقیده داشتند
که در این مسیر تصادفها نقش دارند و
خود این مسیر، تضادها نقش دارند و
طی می‌کند، در آن حرکت قهقراپی و
در جازدن‌ها وجهش‌های به‌بیش و به
عقب میسر است. آن‌ها عقیده داشتند
که در هر لحظه معین، بیش از یک امکان
واقعی وجود دارد و زهدان حوادث
سرشار از انواع گرایش‌ها است، که
می‌توانند زاده و پرورده شوند. آن‌ها
هرگز نگفتند که برای انسان تنها آزادی
انتخاب یک "نسخه" بدل واحد "از
ضرورت باقی می‌ماند و گویا وی ناچار
است تنها در این چارچوب منحصر به فرد
عمل کند و باید داوطلبانه به این حکم
قضا و قدر تسلیم شود! نه، درک آن‌ها
از ضرورت و قانونمندی روند اجتماعی
هرگز چنین درک تقدیر گرایی‌سازانه
(فانتالیستی) نبوده و نمیتوانست باشد.
جریان از چه قرار است؟ انسان در
عمل (برای یک) روزمره خود با "الیه"
تجربیدی "قوانین جبری" روبرو نیست،
بلکه با جسم مشخص و تاریخی آن
برخورد میکند، که عبارتست از مناسبات
واقعا موجود اقتصادی، سیاسی و
اجتماعی و غیره، که در درون آن هدف
گزار می‌کند و نیز امکانات عینی وجود
دارد که به کمک آن امکانات می‌تواند
به این هدف دسترسی یابد. انسان
در انتخاب شرایط عینی فعالیت حیاتی
خود آزاد نیست، ولی در انتخاب هدف
و وسایل نیل به آن هدف از آزادی
معینی برخوردار است، زیرا در هر لحظه
معین بیش از یک امکان وجود دارد و
این امکانات دارای درجه احتمالاتی
مختلف است. انسان‌ها قادرند با
عمل خود روندهای مطلوب را تسریع
کنند و یا در طبقه روندهای نامطلوب
بگوشند. لذا آزادی، یک آزادی مطلق
نیست، بلکه نسبی است و بصورت امکان
انتخاب نقشه عمل در برابر انسان مطرح
می‌گردد. هر قدر انسان بر قوانین
طبیعت و اجتماع آگاه تر باشد، هر قدر
انسان بتواند وسایل نیل به هدف را
بهبتر فراهم کند، بر میزان آزادی او
افزوده می‌شود. انگلس در "آنتی -
دورینگ" می‌نویسد که آزادی افراد،
جمع‌ها، طبقات و جامعه در یک استقلال
موهوم از قوانین نیست، بلکه در توانایی
انتخاب و اخذ تصمیم از روی وقوف بر
مسئله و شناخت آنست.
از آنجا که نیروهای روحی ما دارای

جبریک سوبه و یک علامته نیست، لذا
آزادی عمل این نیروها، بمعنی فقدان
جبر، فقدان علیت نیست. بعلاوه
انسان‌های مختلف، در تاثیر یک علت
واحد در جامعه واحد، می‌توانند
گوناگون بیاندیشند، زیرا هم شناخت
آن‌ها مختلف است و هم هدفی را که در
برابر می‌نهند، یکسان نیست، و در -
نتیجه می‌توانند مختلف عمل کنند،
البته تا آنجا که عمل آن‌ها در چارچوب
گرایش‌ها و مقدرات مستتر در جامعه
موجود، امکان تحقق داشته باشد. لذا
آزادی هرگز مجرد و مطلق نیست، بلکه
همیشه مشخص و نسبی است. لذا انسان
می‌تواند آزادی بیش یا کم داشته باشد.
از آزادی برخوردار یا از آزادی محروم
باشد، بسته به آنکه درجه شناخت
و امکانش چیست، بسته به آنکه چه
هدفی را در برابر می‌نهد و تصمیم -
گیری و رجحان‌گذاری او بر چه پایه
واقعی صورت می‌پذیرد.

در متن ضرورت و جبر، آزادی
نهان است، زیرا هدف‌گزاری و عمل
آزادانه نسل‌های گذشته وضعی را
برای اکنون پدید آورده، که برای
مردم اکنون یک حالت جبری و ضروری
است. در متن آزادی، جبر و ضرورت
نهان است، زیرا عمل ما تابع قوانین
عینی مستقل از ما است. لذا دو قطب
متضاد جبر و آزادی در نوعی وحدت
و نفوذ ضدین به سر می‌برند و وجود
یکی، نافی وجود دیگری نیست. در
کلام شیعه نیز جبر و تفویض به شکل
مطلق آن رد می‌شود و سخن از "الامر
بین الامرین" در میان است، که با
نتیجه‌گیری علمی مارکسیستی شابهت
می‌یابد.

مارکس مانند ارسطو، که مناطق
بودن را شاخص نوعی انسان می -
شمرد، بر آنست که فعالیت آزادانه و
آگاهانه، علامت نوعی انسان است
که او را از جهان جانوران متمایز
می‌سازد. آزادی انسان در هر دوران
معین، خود محصول ضرورت و جبری
دوران تاریخی است. پیشرفت
تاریخی انسان جز حرکت در جاده
آزادی نیست. انسان در آغاز مانند
جانوران در قید جبر طبیعی مقید
بود و آزادی انتخاب عمل و هدف
و وسیله نداشت. هر گام انسان به
جلو، گامی است در جهت آزادتر
شدن، تا زمانی که به دوران مجبوریست
انسان خاتمه داده شود و آدمی از
گستره تسلط جبر، بای در گستره تسلط
اختیار و آزادی بگذارد.
میزان آزادی در هر جامعه به سه
عامل: الف) رشد نیروهای مولده،
ب) سطح معرفت علمی و فرهنگی جامعه،
ج) نوع نظام سیاسی و اجتماعی آن
جامعه، بستگی دارد.

آزادی فردی بی‌وسه جزئی است
از آزادی اجتماعی در کلش. لنین
می‌گفت:
"نمی‌توان در جامعه‌زیست، ولی
از جامعه خود را آزاد تلقی کرد."
این سخن لنین در واقع پاسخ به
لیبرال‌ها و آنارشیست‌هاست، که
آزادی فردی را مطلق می‌کنند و برای
آن‌ها آزادی اجتماعی مطرح نیست.
لنین با این سخن تقدم آزادیهای
اجتماعی را بر آزادیهای فردی یادآور
می‌شود و می‌گوید که فرد تنها زمانی
می‌تواند به آزادی واقعی دست یابد
که جامعه را از قید بردگی، استثمار و
استثمار رها ندهد، والا آزادی فردی
سخن و پندار بوجی است.

در جامعه مبتنی بر طبقات متضاد
غارتگر و غارت شده، ناچار طبقه
ممتازی وجود دارد که جامعه را به شیوه
"خاصه حزبی" (پارتی کولاریسم) به
سود خود اداره می‌کند و در اثر همین
اقتصاد سود ورزانه و امتیاز گرا یانه
قشرهای مالک و سرمایه‌دار، از مدبریت
آگاهانه و نقشه مند جامعه جلوگیری
می‌کند، لذا سر خود بخودی را بر -
جامعه مسلط می‌سازد. به همین سبب،
علی‌رغم رشد فن و فرهنگ، جامعه قادر
نیست بر دامنه آزادی‌های اجتماعی
خود بیافزاید و آزادی بالاییا وسیله
تحدید آزادی فرد و دستان، تا حد پامال
خشن آن می‌شود. آزادی اقلیت فوقانی
(که از مالکیت و وسایل و امکانات بر -
خوردارند) به جبر کار کردن و سیرکور
بی‌خبری از آینده خود برای اکثریت
زحمتکش مبدل می‌گردد. به همین جهت
است که مطلق کردن لیبرال‌ها مانده -
آزادی فردی در درون چهار دیوار زندان
بالمکتب خصوصی فتودال‌ها و سرمایه -
داران بزرگ، در چهار دیوار زندان
استعمار و استثمار، یا وه‌ای است بزرگ
و دروغی است بی‌شرمانه.

آزادی فردی در شرایط فقدان
آزادی اجتماعی، به خودسری افراد
طبقه حاکمه و دولت‌مند تبدیل می‌شود.
خودسری اقلیت و اسارت اکثریت، ثمره
آزادی فردی در جوایی که در آن
آزادی‌های اجتماعی تامین نشده است.
طبقات حاکمه استثمارگر "ذخیره آزادی"
تاریخا ممکن اجتماعی را در اختیار خود
قرار می‌دهند و رفتار طبقات دیگر را
تابع قید و بند "مقررات و قوانین"
مطلوب خود می‌سازند و با ایجاد "سلسله
مراتب امتیاز سهمی از این ذخیره را
به جاگران خاص می‌دهند و اکثریت
جامعه را عملا در بردگی "قانونی" نگاه
می‌دارند.

در سراسر تاریخ، بشریت کوشیده
است که خود را از قیود این سلسله مراتب
طبقه‌ای، از قیود این اسارت، که بصورت
مقررات و قانون در آمده است، نجات
دهد. بورژوازی مطلب را ابتدا و اصلا
حل نکرد و نمی‌کند، بلکه سلسله مراتب
و مقررات خاص خود را بوجود می‌آورد،
برای آنکه "ذخیره روز افزون آزادی"
را به خود مخصوص سازد و به خدمت
حشم طبقه‌ای خود سهمی بدهد و بردگی
قانونی را گاه با ظرافت بیشتر (و گاه
هم گاملا خشن) حفظ کند. شعار "آزادی
برابری، برادری" بورژوازی، شعار
"حقوق طبیعی انسان" و همه منشورها
و اعلامیه‌های عوام فریبانه به ظاهر
آزادی پرستانه لیدر های سیاسی
بورژوازی، جزلفاظی نیست. به قول
آراگون، شاعر بزرگ فرانسوی، این بردای
سالوسانه سخن‌وری است که بر روی
لاشه‌های خونین تبهکاری‌های خود
می‌افکنند.

تئوریسین‌های لیبرالیسم (آزادی -
گرای) بورژوازی، یعنی بنتام و
ستوارت میل مدعی بودند که باید
عرصه عمل دولت به حداا محدود
شود و افراد مالکیت خصوصی خود را
آزادانه در اختیار داشته باشند، تا هر
یک مقصد "معقول" خود را دنبال کند
و بدینسان آزادی فردی همه افراد
جامعه بشکفتد. این لیلیل‌زبانی آقایان
در قرن نوزدهم بود. عملا کار به حد
اعلا محدودیت عرصه عمل دولت
نکشید، بلکه به حد اعلا سیطره دولت
و پلیس و ارتش و دیپلماسی و رسانه‌ها
کشید. مالکیت خصوصی به صورت هشت -
پای مهیب شرکت‌های چند ملیتی با

دها و صدها میلیارد دلار سرمایه در آمد،
و در زیر ثقل این ابرغول‌ها، آزادی
"مرد کوچک" به هیچ وجه بدل گردید.
این آن چیزی است که در لندن و
واشنگتن جریان دارد، وای بر قاره‌هایی
که "جهان سوم" را بوجود می‌آورند،
یعنی نقاطی که ذخیره تاریخی آزادی
در آن، در اثر عقب ماندگی فنی،
فرهنگی و نظام اجتماعی ناچیز است
و آن ناچیز هم به صورت آزادی عمل
اربابان استعماری، سلاطین و شیوخ و
سرمایه‌داران وابسته و مالکان بزرگ در
می‌آید و برای اکثریت مطلق، بردگی
محض باقی می‌ماند.

واژه آزادی بس شیرین است.
شعار آزادی‌های فردی بسیار جذاب است.
به همین جهت سرمایه داری آزادی -
کش جهان تحت سیطره خود را
"جهان آزاد" نام می‌نهد و همه جا
خود را مدافع آزادیها معرفی می‌کند و
"جهاد" ضد کمونیستی خود را مبارزه
در راه آزادی جلوه‌گر می‌سازد!

زهی سالوسی و فریب!
ما بر آنیم که بسط روز افزون
آزادیها، در مسیر تاریخ است و شرط
مقدم و محمل ضرورت آن، رهائی طبقاتی
و رهائی ملی از ستم و بهره‌کشی
فتودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و استعمار
و نو استعمار امپریالیسم است. تنها
تأمین این شرایط، محیط واقعی بسط
روز افزون آزادی‌های فردی را فراهم
می‌آورد. ما هواداران آتشین این
آزادی‌ها هستیم، ولی اختلاف نظر
صریح ما با لیبرال‌ها در نکات زیرین
است:

الف) لیبرال‌ها مسئله رهائی -
طبقاتی و ملی، آزادی از بهره‌کشی و
ستم استعمار را مسکوت می‌گذارند و
آزادی‌های فردی را تجرید و مطلق
می‌کنند و مدافعان آزادی اجتماعی را تا
حد تیرباران و دار مجازات می‌کنند.
این "لیبرالیسم" آقایان است!
ب) لیبرال‌های وطنی ما، با
قبول راه رشد سرمایه‌داری، با قبول
ضرورت همکاری با امپریالیسم، عملا

نه فقط تقدم، بلکه خود آزادی‌های
اجتماعی، بنیادی‌تر است. لذا حزب
ما بی‌کمترین درنگ، دمکرات‌های
انقلابی را (در کشور ما پیروان خط
امام‌را) که به تقدم استقلال و عدالت
اجتماعی بر آزادی‌های فردی معتقدند
(بدون آنکه از جانب ما و آنها آزادی
فردی انکار شود) بر لیبرال‌ها ترجیح
می‌دهد.

در جریان انقلاب ایران، این
اختلاف لیبرال‌ها و دمکرات‌های انقلابی
از همان آغاز روشن بود و ما بارها در
مطبوعات خود آن را مطرح کردیم و
گفتیم که مبارزه این دو قطب در انقلاب
ایران روند "که برکه" نام دارد، و مادر
روند "که برکه" مشتاق پیروزی جهت
دمکراتیک بر جهت لیبرال هستیم.
اشتیاق ما به پیروزی مواضع است
و نه پیروزی اشخاص. این را ما بی‌انقطاع
گفته‌ایم. ما با احدی حب و بغض شخصی
نداریم و غالبا اشخاص را بطور خصوصی
جز نام نمی‌شناسیم. ما در این مبارزه
در اندیشه مصالح شخصی و گروهی خود
نیستیم و مصالح کل جامعه را در نظر
می‌گیریم.

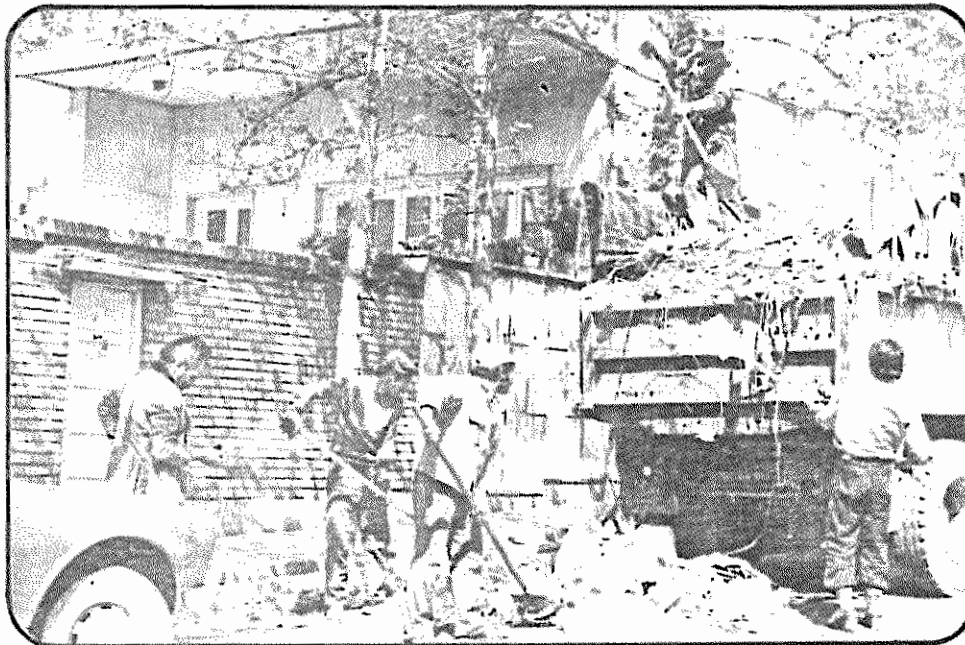
ما بسیار شادمان خواهیم شد که
منطق روشن‌ترین و علمی‌ترین حزب ما، کسانی
را که ناآگاهانه و ناخواسته در کنار
لیبرال‌ها و در مواضع لیبرال‌ها قرار
گرفته‌اند، قانع کند و آنها بتوانند با
کشدن مرز روشن بین خود و لیبرال‌ها،
جنبه انقلابیون را تقویت کنند.
انقلابیون راستین، صرف نظر از
تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و
مذهبی، می‌توانند و باید با طرد
لیبرالیسم برای ایجاد ایرانی رها از
استعمار، استبداد و استثمار، ایرانی
مستقل، آزاد، آباد و مترقی، متحد
شوند.

پس مسئله تنها بر سر "استبداد"
نیست. اگر استعمار و نو استعمار
(امپریالیستی) و استثمار و غارت
(فتودالی و سرمایه‌داری) باقی بماند
استبداد، که فرزند اصیل آن‌هاست،
حتما، به شکلی از اشکال خواهد بود.



رفتگران: سحر خیزان ناکام

«می خواهیم همه نیروهای انقلابی متحد شوند و علیه شیطان بزرگ امریکا مبارزه کنند»



خاک در چشمها می نشیند و ریهها در معرض انواع گرد و غبارند! آنها برای سلامتی مردم کار می کنند، دولت مردمی باید سلامت آنان را تضمین کند.

از قدیم گفته اند: "سحر خیز باش تا کامروا باشی!" اما همه سحر خیزان کامروا نیستند و رفتگران بخشی از این سحر خیزان تلخ کامند. صبح، وقتی که سحر خا موش و خواب آلود است، زحمتکشانی آرام و بی نام، که کارشان زدودن آلودگی - هاست، شهر را برای زندگی روزانه میلیونها نفر آماده میکنند.

روزی می آید، چرخ زندگی بکارت می افتد، ضایعات و کثافات سطح شهر را میگردواند و این رفتگران هستند که فردا، قبل از بیدار شدن، مثل دیروز چهره شهر را تمیز میکنند. و این در حالی است که خود مصونیت ندارند، سلامت آنان در خطر است و اغلب دچار بیماریهای تنفسی و پوستی میشوند. بارها پیش آمده است که در تاریک روز، در تاریکی صبح، راننده - ای بی خیال، با یکی از آنان تصادف کرده، جاننش را گرفته و بیا به خطر انداخته و فرار کرده است. بهتر است مشکلات آنان را از زبان خودشان بشنویم:

حق اولاد، مسکن، سرویس و لباس کار!

عادل جلالی ۲۷ ساله میگوید: "۱۰ سال است رفتگری میکنم. هر روز ۱۰ ساعت، از ۴ صبح تا ۲ بعد از ظهر، حقوقم نزدیک ۲۵۰۰ تومان است، که از پارسال بیشتر شده، ولی بسا داشتن زن و بچه و پرداخت کرایه خانه، این پول کفاف زندگیم را نمیدهد و از این بابت خیلی در عذابم."

عادل همچنین اضافه میکند: "کار ما رفتگران همیشه یکسان است، ترفیع نمیگیریم و محیط کارمان آلوده است. همین دوماه پیش سه هفته مریض شدم، که حقوق ایام بیکاری ام پرداخت نشد. ما میخواهیم که از حق اولاد، مسکن، سرویس و لباس کار - بردوردارشویم و گرانای و تورم از بین برود."

مرتضی سیدزاده، رفتگر دیگری، که در میان گرد و خاک فراوان مشغول کار است، میگوید: "روزی ۹ ساعت کار میکنم، از ۵ صبح تا ۲ بعد از ظهر. هفتهای یکبار هم اجباراً بیکاری میدهم. حقوقم ۲۴۰۰ تومان بود. از پارسال ۹۰۰ تومان به

رفتگران ما تامین جانی ندارند
کار ما کار کثیفی است و من
تا حالا چند بار مریض شده ام.
رفتگران باید از حق اولاد،
حق مسکن و از بیمه مطمئن
برخوردار باشند.

همه نیروهاست که ضامن پیروزی - بر امیرالایسم است.
به سراغ اسلام زاهدی، کارگر ۵۴ ساله شهرداری میرویم. ساعت کار طولانی، عدم تکافوی حقوق و بی بهره بودن از امکانات اجتماعی از مسائل اساسی اوست و میگوید:
"از ۴ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار میکنم و هفتهای یکروز هم بیکاری می کشم که شهرداری اسم آن رایا کسب سازی گذاشته و با به این کار راضی نیستیم. اما چون شهرداری میگوید، با لاجبار راضی میشویم. من ۹ ساله و ۱۹ سال سابقه کار دارم. ماهی ۲۵۰۰ تومان میگیرم. پیش از انقلاب حقوقم ۱۵۰۰ تومان بود."

سندیکای واقعی

رفتگران خواهان سندیکای واقعی، که از حقوق آنان دفاع کند، هستند. در این مورد اسلام زاهدی میگوید: "دیگر نباید سندیکاها مثل دوران طاغوت باشد. ما سندیکاهایی میخواهیم که به خواست هایمان رسیدگی کند و برای ما جلسات آموزشی بگذارد. بیمه ما باید مثل کارمندان باشد تا بتوانیم به دکتراهای بیمه اجتماعی مراجعه کنیم. ما لباس کار و سرویس رفت و آمد میخواهیم."

رفتگران نیز مانند دیگر زحمتکشان خواستها و کمبودهایی دارند. آنان خواستار حق اولاد، حق مسکن، سرویس ایاب و ذهاب، کاهش تورم و گرانی، رسیدگی به حقوق صنفی و بیمه مطمئن در مقابل بیمه ریهها و خطرات ناشی از کار هستند.
میزان توقع آنان تنها در سطح خواستهای اقتصادی و رفاهی نیست، بلکه آنان همچنین مبارزه متحد و یکپارچه نیروهای انقلابی علیه شیطان بزرگ امریکا را طلب میکنند.

مریض شده ام. اتفاقاً همین دیروز موقع کار خون استفراغ کردم. چون دکتراهای بیمه به وضع رسیدگی نکردند، مجبور شدم پول زیادی به دکتر شخصی بدهم."

همه نیروهای انقلابی متحد شوند!

مرتضی فقط به فکر تمیز کردن شهر نیست. او در اندیشه پاکسازی کشور از ضدانقلاب و عوامل امیرالایسم نیز هست و شرط این پاکسازی را اتحاد نیروها میدانند. در این مورد میگوید: "میخواهم همه نیروهای انقلابی متحد شوند و علیه شیطان بزرگ - آمریکا مبارزه کنند."
زحمتکشان ما با شرکت فعال خود در انقلاب ثابت کرده اند که قادر به مقابله با توطئه های امیرالایسم و وابستگی آنهاست. آنها بی بردها ندکه تنها اتحاد

آن اضافه شده، با این حال این حقوقی کفاف زندگی ام را با ۴ تا بچه نمیدهد. اگر حقوقم زیاد بود، این لباسهای کهنه را نمی پوشیدم."

بخشی از رفتگران میهن ماماجران روستایی هستند که در نتیجه، سیاست وابسته کردن کشاورزی رژیم گذشته و رکود این رشته، به شهر آمده اند. مرتضی سیدزاده میگوید:

موقع کار خون استفراغ کردم!

"من قبلاً در یکی از روستاهای اطراف همدان کشاورزی میکردم ولی چند سال پیش که بیکار شدم، با لاجبار به شهر آمدم، تا شکم زن و بچه ام را، هر کاری که شده، سیرکنم. کار من مثل همه رفتگران جار زدن خیابانها، جمع آوری آشغال و تمیز کردن جویهاست. کار کثیفی است و من تا بحال چند بار

مرتضی سیدزاده، رفتگر دیگری، که در میان گرد و خاک فراوان مشغول کار است، میگوید: "روزی ۹ ساعت کار میکنم، از ۵ صبح تا ۲ بعد از ظهر. هفتهای یکبار هم اجباراً بیکاری میدهم. حقوقم ۲۴۰۰ تومان بود. از پارسال ۹۰۰ تومان به

قبل از انقلاب، در این کارخانه تعداد سه هزار و سیصد کارگر کار می کردند، که پس از پیروزی انقلاب، با پاکسازی عده ای و بازنشسته شدن عده ای دیگر، در حال حاضر حدود سه هزار نفر کارگر در آن سرگرم کارند.

در این کارخانه علاوه بر ساختن اطاق، قسمتهای دیگر اتومبیل - که جنبه فرعی دارند - ساخته میشود. مواد خام این کارخانه عموماً از خارج تامین میشود، ولی پس از تحریم اقتصادی ایران از جانب کشورهای امپریالیستی، صدور مواد خام به ایران قطع شد. در حال حاضر کارخانه با کمبود مواد خام روبروست، بطوریکه تولید کارخانه از حدود روزانه چهل دستگاه به پانزده تا هفده دستگاه رسیده است. حتی گاهی اوقات این رقم به سه یا چهار دستگاه در روز کاهش می یابد. کارخانه جیب سازی قبل از انقلاب متعلق به جمعفر اخوان بود، که از زمان پیروزی انقلاب در اختیار دولت قرار گرفته است. در حال حاضر کارخانه بعلت پایین بودن سطح تولید آن ضرر میدهد و کسری حقوق کارگران و کارمندان بوسیله دولت تامین می شود.

این کارخانه دارای یک شورای دوازده نفری است که نمایندگان کارمندان و کارگران و همچنین نمایندگان کارفرمایان در آن عضویت دارند. ناگفته نماند که کارخانه فاقد سندیکا است.
قرار است در آینده نزدیک - پس از اتمام مواد خام - در این کارخانه یک نوع جیب ساخت کشور رومانی ساخته شود. باین ترتیب، کارخانه جیب سازی نه تنها در آینده با کمبود مواد خام مواجه نخواهد شد، بلکه با بالا بردن سطح تولید خود می تواند یاری دهنده اقتصاد ناتوان میهن ما باشد.

آیندهای روشن در انتظار کارخانه جیب سازی

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

اخراجی ها که از جیبه برگشته است گفتم تو اخراج شده ای، او گفت: "اخراج مهم نیست، برای من از همکاران تقاضای بخشش کن."

در این هنگام کارگران متاثر شدند و با دادن شعارهایی خواستار لغو احکام اخراجی ها شدند. بدنبال جلسه، کارخانه بحال نیمه تعطیل درآمد و بررسی در مورد اخراجی ها به دادستان انقلاب اسلامی محول شد.

کارگران، که شرایط حساس کنونی را بخوبی دریافته اند، از روز چهارشنبه ۲۱ آبان ۵۹ دوباره به سر کارهای خود بازگشتند. در همین حال آنها مصراً خواستار رسیدگی به پرونده افراد اخراجی هستند. آنان اظهار می دارند: "چنانچه مشخص شود که این افراد مستحق اخراجند ما خود از ورود آنان به کارخانه جلوگیری خواهیم کرد."

کارگران آلومینیوم سازی اراک تاکنون در جبهه جنگ سه شهید داده اند
اعتراض کارکنان آلومینیوم سازی به اخراج همکارانشان

لیست اخراجی ها درج شده است - هم اکنون در جبهه جنگ در حال نبرد بسر می برند!
بدنبال این اخراجی ها، کارگران از مدیریت کارخانه تقاضای تشکیل جلسه و جوابگویی در برابر این اقدامات را کردند. در این جلسه مدیر عامل گفت: آنان می بایست تصفیه میشدند. حال کسانی که با این کار موافقت، در این سمت و بقیه در سمت دیگر بایستند. بدین ترتیب مدیر عامل باعث نفاق - افکنی در بین کارگران شده است. در این جلسه یکی از کارگران اظهار داشت: "من به یکبار

کارخانه آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) در کیلومتر چهار جاده اراک - تهران قرار دارد. این کارخانه مدد در صد به سازمان گسترش و نوسازی ایران وابسته است. در این کارخانه تعداد هزار و سیصد نفر کارگر و کارمند کار می کنند. محصول کارخانه در حال حاضر حدود ۳۰ تا ۴۰ تن شمش آلومینیوم است. در حالیکه در زمان طاغوت تولید آن حدود صد و چهل تن بوده است. علت کاهش تولید کمی بود برق و قطعات یدکی است. چون در حال حاضر فقط تعداد هفتاد دیگ از مجموع دو بیست و هفتاد دیگ ذوب آلومینیوم در حال بهره برداری است. تاکنون چندین گروه از کارگران این کارخانه از طریق بسیج مستضعفان به جبهه های جنگ اعزام شده اند. آنها تاکنون سه شهید تقدیم انقلاب کرده اند.

هدایار دهقانان نخودک

«توطئه عوامل فتودال‌ها را خنثی کنید!»

در ۲ کیلومتری شمال شهرستان مشهد در واقع جسیده به شهر، روستای به نام نخودک وجود دارد. دهقانان زحمتکش این روستا هنوز اسیر توطئه‌ها و فتودال‌ده و عوامل سرسریده او هستند. مردم ده می‌گویند:

"چندی پیش به جهادساز زندگی نامه‌ای نوشته ایم و از برادران انقلابی جهادساز زندگی خراسان برای خنثی ساختن خرابکاریهای عمال فتودال‌ها یاری طلبیده ایم. یکی از دهقانان ستمکشیده، نخودک می‌گوید:

"در نامه نوشته ایم که: در لحظات حساس کنونی کسه میهن و انقلاب ما مورد تجاوز و صدام آمریکا قرار گرفته است و سینه‌های رزمندگان انقلاب هدف آتش این جنایتکار واقع شده است و در این شرایط که ما باید بنا به رهنمودهای امام امت خمینی بت شکن و آیت اله منتظری بیشتر کشت و زرع کنیم، یکی از سرسپردگان فتودالها در روستا بین مردم تفرقه و آشوب به پا می‌کند و سعی دارد مردم را به پاسگاه ژاندارمری بکشاند و از کار و کوشش با زار و آتشی آنها را نسبت به انقلاب بدبین کند. با توجه به اینکه با آمدن هیئت هفت نفری و جهادساز زندگی به روستا قرار شد که هر کس زمینهای سال گذشته خود را زیر کشت ببرد، این خائن به دستور برادران احترام نگذاشته و زمینهای را که سال گذشته ماکت کرده ایم گرفته و شروع به آبادان نموده است. ما هیئت این شخص برای ما معلوم است که در رژیم طاغوت چه کارهایی کرده است. از برادران جهادساز زندگی خراسان می‌خواهیم که شرایط توطئه‌گر را از سر ما کم کنند. اومی گوید که اکثریت دهقانان ده، به اضافه شورای ده، نامه را تأیید کرده اند.

این دهقانان انقلابی با هشیاری رابط بین بین بزرگ مالکان را با امیرالایم آمریکا تشخیص می‌دهند و به موقع هشدار می‌دهند. هم‌اکنون برنهادهای انقلابی خراسان بخصوص جهادساز زندگی و هیئت‌های هفت نفری است که با حدیث و فوریت هشدار این زحمتکش را بشنوند و هشیارانه به خواست بحق آنها جواب دهند.

جهاد و هیئت‌ها تاکنون با عمل انقلابی خود ثابت کرده اند که حامی تهیدستان و مدافع انقلابند و میدانند که زحمتکشان روستاها، زنان و مردان پشت جبهه اندویرای شکست شیطان بزرگ و یابادی آنها، باید پشت جبهه را مستحکم کنند.

ارباب زورگوی کلاته ملامحمد باز هم علیه دهقانان توطئه می‌کند

کلاته ملامحمد با ۶۰ خانوار جمعیت، در شمال قوچان، در جاده بین قوچان - درگز واقع است. دهقانان زحمتکش این دهکده چندی قبل طی نامه‌ای از هیئت هفت نفری واگذاری زمین شمال خراسان خواستار پس گرفتن زمینهای غصب شده خود از مالک زورگوی ده شدند. متن نامه مبرورد در نامه "مرب" شماره ۳۸۱ بجای رسید و باعث خوشحالی دهقانان ستمدیده شد. ولی باز هم بزرگ مالک زورگو اخیراً، با بهانه قراردادن مسائل جزئی و با عنوان کردن اختلافاتی که بین آنها بوده، با تحریک عوامل خود، آنها را به جان دهقانان زحمتکش ده انداخته و عده‌ای را مجبور ساخته است. این جندمین باری است که ارباب ده دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. دهقانان با مراجعه به مقامات مسئول خواهان رسیدگی به وضع خود شده‌اند، ولی هنوز شکایتشان مورد رسیدگی قرار نگرفته است. ارباب ده عمداً با ایجاد این تشنجات و جوتحریک و آشوب در ده ریزی کارشکنی و اخلال است و میخواهد واگذاری زمین‌ها به دهقانان بی زمین و کم زمین را که موجب تحکیم انقلاب و آزادی محصول و آرامش محیط میشود، به تاخیر اندازد. زحمتکشان روستا میدانند که بعد از انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی و در نظام جمهوری اسلامی ایران

در منطقه رودبار چیرفت:

منطقه رودبار در ۸۵ کیلومتری چیرفت واقع است. بنا به حکم دادستانی و توسط سازمان عمران چیرفت، در مهر ماه گذشته چند تلمبه چاه عمیق، متعلق به دو روستای علی آباد و عباس آباد در این منطقه، بنق روستائیان مصادره شد. راهی که چیرفت را به این دو روستا متصل می‌کند، فوق العاده خراب و تقریباً غیرقابل عبور است. در طول این راه کپرهایی که متعلق به اهالی آن منطقه است، دیده می‌شود. در چند کیلومتری این کپرها ساختمان مجلل متعلق به یکی از فتودال‌های این منطقه جلب توجه می‌کند، که اکنون فرازی است. دهقانان این منطقه در سخت ترین شرایط زندگی می‌کنند، بعلمت عدم بهداشت، گرمای زیاد و وجود بادهای شن، اکثر کودکان مبتلا به مرض تراخم هستند، اما هیچگونه دسترسی به دکتر ندارند. بگفته یکی از اهالی هرگاه یکی از روستائیان مریض شود، اوراد پوست گوسفندی می‌کنند، تا به به یابد، و یا در یکی از دهکدهات مجاور سیدی است که دعا می‌دهد و مریض خوب می‌شود. روستای عباس آباد ۱۰۰

قتل دو دهقان بدست پسر خان واکذاری زمین‌ها و امید به زندگی انسانی انتخاب شورای ده

خانوار سکنه دارد. قبل از انقلاب این روستا در مالکیت فتودال بوده است. همچنین روستائیان علی آباد نیز تا قبل از انقلاب تحت سلطه بزرگ مالک بوده‌اند. اما هم اکنون به یمن انقلاب شکوهمند خود، آزادانه در زمینهای که متعلق به خودشان است، کشت میکنند ولی بزرگ مالک دست بردار نیست، کما اینکه چندی پیش توسط پسر خان منطقه، دونفر از روستائیان کشته شدند و این فرد هم اکنون تحت تعقیب قانونی است. پس از واگذاری زمینها، شادی در چهره مردم برق می‌زد. مردمی که بعلمت وجود نظام طاغوت و بزرگ مالکی، فقر و بی فرهنگی و عدم بهداشت در زندگی شان پیدا می‌کنند و دارو ندارند تنهادر یک کپر چندمخ و بیکی دوتا گوسفند خلاصه شده است. پیرمردی بنام مشهدی حسن گفت: "تمام زندگی من یک راس الاغ است، که با آن گندمهای اهالی را به آسیاب می‌برم و نون بخور و نمیری در می‌آورم. انقلاب بخاطر ما فقرا بود، و ما هنوز قدرت مالی برای کشت زمینهایی که بماداده شده نداریم و منتظر کمک هستیم."

روستائیان ارزانفوت خواستار الحاق این ده به همدان هستند

اهالی روستای ارزانفوت که در ۴ فرسخ جنوب شرقی همدان واقع است، خواستار قرار گرفتن این روستا در جمع روستاهای تابع همدان هستند. روستای بزرگ ارزانفوت در حال حاضر، با وجود فاصله زیاد از ملایر، جزء این منطقه محسوب می‌شود. در روستای ارزانفوت حدود ۸۰۰ خانوار، تقریباً ۵ هزار نفر، زندگی می‌کنند. در این روستا اقوام ترک، کرد، رزمیاریگری در کنار هم زندگی می‌کنند. اهالی این روستا همگی خواهان آن هستند که روستایشان جزء کارهای خود را در همدان، که به ارزانفوت نزدیکتر است، انجام دهند. از این روستا روزانه یک مینی بوس به همدان می‌رود، در حالیکه سرویس رفت و آمدی برای شهرستان ملایر، که ارزانفوت تابع آن محسوب می‌شود و کشاورزان برای امور مختلف روزمره مجبور به رفت و آمد به آنجا هستند، وجود ندارد.

خوش نشینان روستای ارزانفوت همچنین خواستارند که اراضی بزرگ مالک این ده به آنها واگذار شود. این افراد به علت نداشتن زمین مجبورند برای کارگری ده را ترک کنند و بیاروی زمین دیگران کار کنند. در حالیکه بیش از ۶۰ هکتار زمین آبی و دیدم در دست

گذری به روستای شاطربالی

روستای شاطربالی، از توابع رزن استان همدان است که در آن ۱۵ خانوار ساکن هستند. زندگی مردم این روستا، که به آن قلعه شاطربالی هم می‌گویند، بیشتر از طریق کشاورزی می‌گذرد که به علت کمبود شدید آب تاکنون به صورت دیم بوده است. زنان این روستا نیز دوشا دوش مردان به کارهای مختلفی اشتغال دارند. قالی بافی، انگورچینی، درست کردن مویز و کشمش از جمله کارهایی است که زنان روستای شاطربالی انجام می‌دهند. اخیراً شورایی با شرکت اعضا منتخب مردم در این روستا تشکیل شده است که کلیه کارهای روستا زیر نظر آن انجام می‌گیرد. اهالی این روستا علاوه بر کمبود آب، از داشتن برق هم محروم هستند. البته بعضی از خانه‌ها برق دارند، که با موتور برق کار می‌کنند، ولی بیشتر خانه‌ها فاقد برق هستند. در این روستا تنها یک مدرسه وجود دارد که کفاف تمام بچه‌های روستا را نمی‌کند. به همین دلیل بسیاری از بچه‌ها، که باید به مدرسه بروند، در خانه‌ها می‌مانند.

بزرگ مالک است، که مباحثی پس از انقلاب مدتی به زندان افتاد، ولی زمینها متأسفانه همچنان تقسیم نشده باقی‌ماند. ده ارزانفوت از امکانات بهداشتی نیز محروم است، که این مسئله باعث شیوع بیماریهاست. های مختلفی در این روستا شده است. برای ۵ هزار جمعیت این روستا ۳ حمام خزینه درده وجود دارد، که به هیچ وجه بهداشتی نیست. اهالی خواستار ایجاد حمام‌های دوشی در محل زندگی خود هستند. با وجود مستعد بودن زمین‌های کشاورزی در منطقه، کشاورزان از داشتن ابتدائی ترین وسایل کشاورزی محروم هستند، که این خود لطمه زیادی به امر کشاورزی ارزانفوت زده است. علاوه بر این، خرابی جاده این روستا بر مشکلات روستائیان افزوده است. بخصوص

دخترها فقط تا کلاس پنجم میتوانند درس بخوانند و پسرها به ده، مجاور میروند. در حال حاضر حمام مخروبه در روستای شاطربالی وجود دارد. اما خوشبختانه جهاد سازندگی از مدتی قبل اقدام به ساختن یک حمام جدید کرده، که نیمه کاره است. با توجه به وضع جنگی کشور، رفع نابسامانی‌های روستای شاطربالی توسط مسئولین متعهد و نهادهای انقلابی موجب تشویق دهقانان و تولید بیشتر خواهد شد که خود ضربه‌ای است به توطئه‌های آمریکا

آنکه این راه زمستان‌ها هم بسته می‌شود و مردم برای حمل و نقل با مشکلات بسیار روبرو می‌شوند. حل این مسائل بویژه مسئله زمین و وسایل کشاورزی، موجب خواهد شد که ده پنچ هزار نفری مزبور نقش مهم و فعالی در جهاد کشاورزی فرموده امام و تولید بیشتر محصولات زراعی داشته باشد. ماضن جلب توجه مقامات مسئول به وضع این روستا و نیازهایی آن، از هیات‌های ۷ نفری می‌خواهیم که هرچه زودتر جهت واگذاری اراضی در این منطقه اقدام به عمل آورند. این کار بسودانقلاب و تحکیم آن است. بقول ستاد واگذاری زمین، باید مداخلان اصلاحات ارضی و توطئه‌گران را، که مانند کفر روی آب هستند، با قاطعیت طرد کرد و خواست حقه دهقانان مستضعف را بکرسی نشاند.

امام خمینی: از روستاهای دور افتاده می‌آیند می‌گویند که ما خانه نداریم، آب نداریم، برق نداریم، آسفالته نداریم، بهداشتی نداریم و همه هم صحیح می‌گویند. ما دستمان را پیش تمام ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه دست برادری بهم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.

پیشرفت‌های آموزش و فرهنگ در کامپوچیا

دوران حکومت دیکتاتوری پل پوت در کامپوچیا، یکی از تاریک‌ترین دوران‌های آن کشور بود. پل پوت و دارودسته جهالت پرور پل پوت، تقریباً همه معلمان کامپوچیا را سر به نیست کردند. از اینرو، حکومت کنونی کامپوچیا، پس از سرنگونی رژیم خونخوار پل پوت، باز-سازی آموزش و فرهنگ را بعنوان یکی از نخستین و مبرم‌ترین وظایف خود

کودکان کامپوچیا قرار می‌دادند. اینک در برتوکوش‌های خشکی ناپذیر خلق کامپوچیا و کمک‌ها و انترناسیونالیستی کشورها، برادر، شرایط آموزش و پرورش به گونه‌ای چشمگیر بهبود یافته است. در حال حاضر، در حدود ۲۲ هزار معلم در ۵۵ هزار ساختمان نسبتاً ساده به تدریس ۹۵۰ هزار کودک دبستان‌نشین و بیش از ۵ هزار دختر و پسر در چهارده



بچه‌های کامپوچیا از یوغ اسارت دارودسته خونخوار و جهل پرور پل پوت کودکان کامپوچیا امکان دسترسی به آموزش رایافته‌اند.

اعلام داشت. پیش‌بردارین هدف در آغاز با دشواری‌های فراوانی همراه بود. کامپوچیا نه تنها معلم کافی نداشت بلکه همچنین از نظر کلاس و وسایل تدریس در مضیقه بود. چه بسا که کلاس‌های درس در طبیعت، در باد و باران، تشکیل می‌شد و اتحاد شوروی ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی کتاب، دفتر و مواد در اختیار

دبیرستان این کشور درس می‌خوانند. علاوه بر این، ۱۰۰ مهدکودک و ۸۲۰۰ کلاس در کودستان با گنجایش ۸۲۰۰ نفر در کامپوچیا تأسیس شده است. همچنین ۲۳۲ هزار کامپوچیا بی‌دوره‌های گوناگون آموزش تخصصی را می‌گذرانند. چندی پیش دانش‌سرای هم در فنوم‌پن گشایش یافت.

بیانیه حزب توده ایران - سازمان بانه

بپاخیزیم و توطنه‌های ضد انقلاب را خنثی سازیم

از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم که با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مورخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ درباره کردستان، کسه میگویند:

"سلام برخواهران و برادران کرد، که با وفاداری خنثی به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه خائنین به کشور جلوگیری کردند. گزارشات هیات ویژه هما نظر بود که متوقع از برادران و خواهران کرد بودیم، که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمی‌دانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت می‌دهند، چیزی جز فساد و توطئه‌گری نیست... و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است. منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت میباشد... زمینه سیاسی رشد ضد-انقلاب را از زمین ببردند و آن سد کاذب را، که ضد-انقلاب بین خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است و در پی حفظ و نگهداری آن است که در جهت تضعیف انقلاب از آن بهره‌جویی کنند، در هم شکنند، زیرا اتحاد اصولی و برادرانه خلق-های میهن ما بر پایه سرنوشت و آینده مشترک و دشمن مشترک، ضامن پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است. مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا! مرگ بر رژیم سرسپرده و خائن مدام و مرتجعین منطقه! برقرار با دجیبه متحد خلق نیرومندترین اهرم شکوفایی انقلاب! حزب توده ایران - سازمان بانه ۵۹/۹/۱۵"

حزب توده ایران - سازمان بانه در بیانیه‌ای، ضمن اشاره به "تشدید حملات ضد انقلابیون - (دارو-دسته قاسملو، کومه‌له و...) به شهرها و ستونهای نظامی، پادگانها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" به مردم شهرستان بانه هشدار داده است که تحریکات ضد انقلابیون را در زمینه ایجاد هرج و مرج و تشنج در مدارس خنثی سازند. در این بیانیه آمده است:

"خلقهای مبارز ایران در جدیدترین حرکت تاریخ‌ساز خود، در سنگر استقلال و آزادی، در دفاع از میهن انقلابی و نظام جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی خویش، چون تنی واحد، پولادین و استوار به پل خاسته‌اند و با نشار خون عزیزترین فرزندان این آب و خاک، می‌روند تا ششمین توطئه ضد انقلابی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و نوکر سرسپرده اش صدام حسین خائن را در هم شکنند و درسهای تازه-ای از رزم انقلابی و حماسه اتحاد در راه خنثی نمودن و نابودی توطئه‌های بعدی ضد انقلاب جهانی بپا موزند.

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، از همان ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، شکست و براندازی این نظام را به شیوه‌های گوناگون، از جمله نفوذ عوامل خود (امیرانتظام‌ها، نزیه‌ها...) در دولت موقت، بهره‌برداری از سیاست‌های سازشکارانه لیبرال‌ها و اعمال ماجراجویانه گروهکهای چپ‌نما، محاصره و شانتاژ اقتصادی و نظامی

طرح کودتاها و توطئه‌های ضد انقلابی طبعی، نوزده و سرانجام تجاوز نظامی صدام را هدف مقاصد امپریالیستی خود قرار داده است. نفوذ عناصر ساواکی، افسران شاهنشاهی، گروهک‌های چپ‌نما و ماژوتیستهای ورشکسته در جنبش خلق-طلبانه خلق کرد، به منظور به بیراهه کشیدن این جنبش و قرار دادن خلق کرد در برابر جمهوری اسلامی ایران و گسستن پیوندهای دیرینه انقلابی خلقهای ایران، بی‌شک بخشی از همیسن توطئه‌های امپریالیستی بشمار می‌آید. تشدید حملات ضد انقلابیون (دارودسته قاسملو، کومه‌له...) به شهرها، ستونهای نظامی، پادگانها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایجاد هرج و مرج و غارت کامیون-های حامل مواد خوراکی، همزمان با تجاوز آمریکا، صدام به میهن انقلابیمان ها رشن ضد انقلاب داخلی و حملات مودیانه لیبرالها به نهادهای انقلابی و روحانیت مبارز پیرو خط امام و دیگر نیروهای مترقی، تنها و تنها میتواند دست پخت جدید امپریالیستی باشد. ما به مردم شهرمان هشدار میدهم که زخمه‌های جندوار ضد انقلابیون، که ما مورند و معدور به تشنج کشاندن مدارس، شایعه-سازیه‌ها و تحریکات آنان را یک امر جدی تلقی کنند و قاطعانه آن را خنثی نمایند. هر تفنگی که بسوی مردم و نیروهای مسلح مدافع جمهوری اسلامی ما شلیک شود، به فرمان آمریکا، بمنفع آمریکا و در خط آمریکا است. ما از نیروهای مسئول و انقلابی می‌خواهیم که در این لحظه بسیار حساس، وظیفه سنگین بسیج توده‌های مردم علیه توطئه‌های رنگارنگ ضد انقلابیون را بعهده بگیرند. ما همچنین

در جهان سوسیالیسم

با «جبهه ملی چک‌ها و اسلواک‌ها» آشنا شویم

"جبهه ملی چک‌ها و اسلواک‌ها" بزرگترین سازمان اتحاد سیاسی کارگران، دهقانان و روشنفکران زحمتکش در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی است. این جبهه همه احزاب و سازمانهای توده‌ای چکسلواکی را، به رهبری حزب کمونیست چکسلواکی، در بر میگیرد. این سازمانها از طریق "جبهه ملی چک‌ها و اسلواک‌ها" در قدرت حکومتی شرکت میکنند. جبهه‌ها میرده همچنین شرکت برابر حقوق همه شهروندان را در زندگی سیاسی و اجتماعی چکسلواکی و در ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته در آن کشور امکان-پذیر میسازد. در قانون اساسی چکسلواکی وظایف "جبهه ملی چک‌ها و اسلواک‌ها" تعیین و به اهمیت آن اشاره شده است.

"جبهه ملی" بیست حزب و سازمان، از جمله حزب کمونیست چکسلواکی، حزب سوسیالیست چکسلواکی، حزب خلق چکسلواکی، حزب نوزایش اسلواکی، حزب آزادی، جنبش انقلابی سندیکائی، اتحادیه سوسیالیستی جوانان، اتحادیه زنان و انجمن دهقانان و تعاونی رادر بر میگیرد. گوستا و هوساک دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، ریاست "کمیته مرکزی جبهه ملی چک‌ها و اسلواک‌ها" را بعهده دارد.

این اتحاد سیاسی زحمتکشان چکسلواکی در جریان مبارزات علیه اشغالگران فاشیست پایه‌گذاری شد.

در جهان سرمایه‌داری

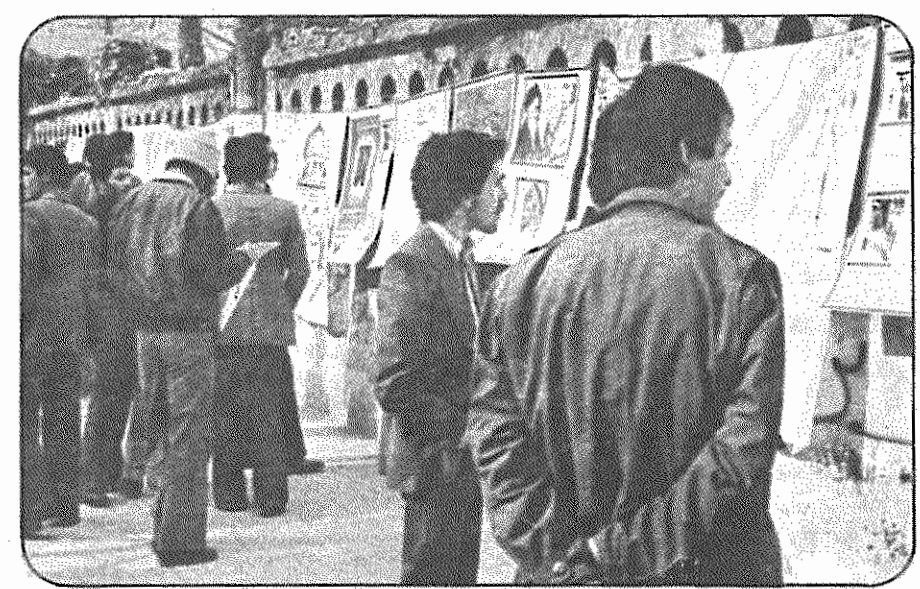
بیکاری: مبرم‌ترین مسئله در جمهوری فدرال آلمان "تا مین کار برای شهروندان جمهوری فدرال آلمان گماکان مهم‌ترین مسئله اجتماعی - سیاسی این کشور است." این تفسیری است که در "هندلزلات" (دوسلدورف)، پس از انتشار گزارش نظرخواهی این روزنامه از دو هزار عضو "انجمن پژوهش درباره مصرف، بازاریابا زاریابی" (نورنبرگ) درج گردیده است.

بنوشته این نشریه:

"چهل و شش درصد پاسخ دهندگان "مبارزه بایکاری" را مبرم‌ترین وظیفه (دولت) خواندند. این رقم در سال پیش ۴۱ درصد بود."

فرزاد
ناد اتحاد
همه
نیروهای
ضد
امپریالیستی
و
دمکراتیک
ایران
در جبهه
متحد خلق

نمایشگاه آشنائی با جنبش فلسطین در شهرستان مشهد



از طرف اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان مشهد، نمایشگاهی به مناسبت ۸ آذر (هفته همبستگی فلسطین) برپا شد. این نمایشگاه، که شامل طرح، عکس و پوسترهای آسان‌زمانه‌های الفتح، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین بود، در مدت سه روز برپایی خود، با استقبال پرشور مردم و پرور شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دشمنان انقلاب از جو اختلاف سوء استفاده می کنند

• اگر به وضع آوارگان جنگ رسیدگی نکنیم، عواقب سیاسی واجتماعی نامناسبی به دنبال خواهد داشت.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، محمدعلی رجایی نخست‌وزیر، علل تأخیر در انتخاب چند وزیر کابینه را تشریح کرد.

در آغاز این جلسه، سیدمحمد کاظم دانشی، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور، سخن گفت. وی ضمن ابراز تکرانی از جو اختلافی موجود در کشور، اظهار داشت:

«مسئولین امور میدانند و باید هم بدانند که ملت ستم‌دیده و رنج کشیده و بیاخته‌ای ایران از این جو اختلاف نگراند و جدا خواستارند که این جو را به جوی از محبت، برادری، اتحاد، از هتکاری از هتکاری مبدل سازند. مسئولین محترم امر خوب می‌دانند که دشمن از این جو چه سوء استفاده‌های تبلیغاتی می‌کند.

وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «اگر در این وقت که ما بکارهای خودمان مشغول باشیم، دشمن گامی به جلو بیاید و یک توپ پر شهری از شهرهای ماینداد و ما به علت مسائل شخصی خودمان و اختلافاتمان نتوانیم باشیم و فرصت‌تکنیم که جلوی این تجاوز را بگیریم، در گناه شریک صدام هستیم.»

رسیدگی به وضع آوارگان جنگ

دومین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز شکرالله زینعلی بود، که در ارتباط با جنگ و عوارض آن سخن گفت. وی ضمن بررسی جنبه‌های مثبت و منفی جنگ، به وضع آوارگان جنگ اشاره کرد و گفت:

«اگر به این موضوع رسیدگی نکنیم، عواقب سیاسی واجتماعی نامناسبی به دنبال خواهد داشت. باید با همان قدرت که به رزمندگان می‌رسیم، به آوارگان نیز رسیدگی کنیم.» وی سپس افزود: «حدود یک میلیون نفر آواره جنگی در خوزستان داریم که از این تعداد ۹۰۰ هزار نفر در شهرهای خوزستان ساکن هستند. در حال حاضر ۱۴۰ هزار نفر در بیابان و آماجاری زندگی می‌کنند. جمعیت خودبیبان حدود ۱۰۰ هزار نفر است و آماجاری ۳۰ هزار جمعیت دارد، در صورتی که ۴۰ هزار نفر از آوارگان به این شهر آمده‌اند. یعنی جمعیت این شهر به بیش از دو برابر رسیده است. تمام مدارس بیبانه و آماجاری تعطیل هستند و اگر هر چه زودتر یک علاج اساسی نشود، صریحاً خواهیم دید.»

سومین سخنران جلسه دیروز موسوی تبریزی بود، که در مورد نامه ۶۷ نفر از نمایندگان در مورد افزایش مطالبات جرایم سربازان در روزنامه «انقلاب اسلامی» و نحوه انعکاس این

نامه در روزنامه مذکور، سخن گفت. وی از جمله افزود: «ما به افزایش مطالب جلسه غیرعلنی مجلس اعتراض کردیم، ولی روزنامه انقلاب اسلامی یک افترا به ۶۷ نفر از نمایندگان زد و نوشت که توطئه آیت بدست ۶۷ نفر انجام شده.»

موسوی تبریزی سپس ضمن اعتراض به نحوه انعکاس این مطلب علیه روزنامه «انقلاب اسلامی» به عنوان «مفتری» اعلام جرم کرد و در پایان گفت:

«آیا روا است که در یک مملکت، در یک روزنامه به نام انقلاب اسلامی، که واقعا از اسلام در آن خبری نیست، بر مجلس افترا بزنند؟ من از مسئولین می‌خواهم که جلوی اینگونه مطبوعات گرفته شود.»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن سخنانی، ضایع وفات آیت‌الله العظمی را تسلیت گفت و سپس به زلزله اخیر استان مرکز اشاره کرد و از مسئولین خواست که به وضع زلزله‌زدگان رسیدگی کنند. رئیس مجلس سپس ابتکار حضرت آیت‌الله منتظری را در مورد اجتناب از جمع کشور تأیید کرد و تأکید نمود که این یک حرکت انقلابی است.

علت تأخیر در تکمیل کابینه

آنکه مجلس وارد دستور شد و لایحه مربوط به ساختمان‌های زلزله‌زدگان در طبع مطرح گردید. در این زمینه شهرکی، یکی از اعضاء کمیسیون مسکن و شهرسازی، توضیحات لازم را داد و سپس چند موافق و مخالف در این مورد سخن گفتند. در این موقع محمدعلی رجایی نخست‌وزیر به سؤال حسن آیت و آیت‌الله سیدمحمد خاتمی‌ای مبنی بر اینکه: «چه چه دلیل تاکنون چندین وزیر از وزارت معرفی نشده‌اند، پاسخ گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«در مورد انتخاب وزراء که یکی از مسائل مهم مورد اختلاف بین من و رئیس‌جمهور است، در فاصله رای اعتماد مجلس تاکنون، تلاش نسبتاً زیادی برای جبران بقیه وزراء شده است.»

نخست‌وزیر افزود: «همانطور که اطلاع دارید، انتخاب نخست‌وزیر با رضایت کامل رئیس‌جمهور نبود، بلکه ایشان

ایجاد کانونهای خرابکاری و تشنج و زمینه‌سازی برای فعالیت ضد انقلاب بوده است.

از بسیاری سرمایه‌داران بزرگ و وابسته سلب مالکیت و قدرت شده. بسیاری از صنایع و سیستم بانکی ملی شده. با بورس‌بازی و زمین‌خواری مقابله شده. ولی همچنان سرمایه‌دارها زالوار شیره جان مردم را می‌کنند. در عرض یکسال به اندازه چندین سال چپاول کرده‌اند، تولید کارخانجات را خوابانده‌اند، کارهای ساختمانی را قطع کرده‌اند، تجارت را به غارت بدل کرده‌اند احتکار میکنند، خرابکاری میکنند و ناراضی می‌تراشند، زمینه‌ساز فعالیت‌ها و تبلیغات ضدانقلاب و تسهیل ارتباطی غارت انحصارات امپریالیستی از طریق واسطه‌های دست دوم و سوم در کشورهای اروپای غربی و ژاپن و یا کشورهای عربی خلیج فارس و... شده‌اند. تا نظام حکومتی ما دست این سرمایه‌داران غارتگر را قطع نکند، انقلاب ما به پیروزی واقعی نرسیده است.

از ملکه‌دارها و یا همان بزرگ‌مالکان، اعم از ثروتل و خان یا سرمایه‌دار صاحب زمین، بهمت خود دهقانان و در اجرای فرمان قبلی امام خمینی مبنی بر کشت زمینها، مقداری از اراضی گرفته شده و عملاً به صاحبان اصلی آنها، که دهقانان قبیله‌ست باشند، رسیده است. قانونی هم برای اصلاحات ارضی، همراه با یک آیین‌نامه اجرائی، از تصویب شورای انقلاب گذشته است. در طی ماهها، به برکت فعالیت پرشور اعضاء متعدد جهاد سازندگی و افرادی‌سایه سپاه پاسداران، در مناطقی حق به‌حق دار رسیده است و حیث‌های ۷ نفری هم می‌رفند تا کار بزرگ‌مالکی غارتگر را یکسره کنند و مشابه یکی از مؤثرترین نهادهای انقلابی، بر طبق مواد قانون، کاری کنند تا دیگر «هرچه بوده و منجمله حکومت، برای ملکه‌دارها و خانها نباشد. اما در عین حال، هنوز که هنوز است، مسئله حیاتی و مهم زمین عملاً در انتظار حل است. دهقانان چشم‌پراهنده، بزرگ‌مالکان، ثروتل‌ها و خوانین توطئه میکنند، چاق‌دار و تفنگدار اجیر میکنند، روحانی‌نمایان مزدور و لیبرال‌های طرفدار زر و زور را بسیج کرده‌اند، تا علیه اصلاحات ارضی تبلیغ کنند. آنها با اعمال فشار موقتاً مانع اجرای بند «ج» شده‌اند. هنوز میلیونها هکتار زمین در دست این غارتگران است و میلیونها دهقان در انتظار آنند که ثمره کار و زحمتشان مال خودشان باشد و زمینی که با خون دل و عرق‌پشانی به‌ارز شانه‌اند، متعلق به خودشان گردد. دهقانان مطالبند که حکومت و قدرت در کشور، طرفدار آنها و مدافع منافع آنها و مال خود آنها باشد. تا چنین نشود و تا نظام‌زاینده انقلاب، ریشه بزرگ‌مالکان را برنکند، انقلاب ما به پیروزی واقعی خود نرسیده است.

آری، رهنمود امام خمینی روشن و دقیق است. این رهنمود وظیفه فوری سکانداران حکومت و راه‌تکامل آینده را روشن میکند. اگر میخواهیم که خون شهدای عزیز ما و کوشش میلیونها انسانی که با عزم و اراده خود قدرت جهانی شاه را سرنگون کردند، به‌ارز نرود، تنها و تنها باید بر سینه تاریک راهی که قدرت ملکه‌دارها و سرمایه‌دارها و قلدرها و خانها را تأمین میکند، دست رد نهد. باید در پهنای پرفروغ راهی کام‌نهاد که حکومت مستضعفان: کارگران و دهقانان، پابره‌ن‌ها و زانغ‌نشین‌ها، جنوب‌شهری‌ها، مردم کوچک و بازار را، مستقر کند. معنای «تحقیق کیفی» انقلاب، در عمده‌ترین خطوط خود، جز این نیست.

سخنان امام خمینی بار دیگر خصلت عیقا خلقی و مردمی خط امام را روشن میکند و نشان میدهد که جز با جان‌فداری بی‌خدا و کامل از زحمتکشان و سیردن کامل همه‌امور بدست آنها، جز با توجه به این معنا که حکومت باید در خدمت و مال مردم باشد، و جز حل مسائل اقتصادی واجتماعی کشور در جهت منافع مستضعفان، نمی‌توان

انظر قانونی موافقت کردند که من نخست‌وزیر باشم و این موضوع بعداً چه بصورت شفاهی و چه در گزارشی که به مردم می‌دهند، بارها یادآوری کردند. گرچه این فشار، یعنی فشار این که رئیس‌جمهور دولت را قبول ندارد، برای دولت بسیار سنگین است، ولی عهدی که در پذیرفتن این مسئولیت داشتیم به ما این امکان را داد که این مطالب را بخوانیم و بشنویم و همچنان دنبال انجام ماموریت باشیم. طبیعی بود که با آن اختلاف ابتدایی، من در صورتی موفق به تشکیل کابینه می‌شدم که آن نامه‌ای را که در یک صحبتیم ارائه کردم، آن نامه جامه عمل می‌پوشید و دولت‌نخست‌وزیر، غیر از وزیر دفاع و وزیر کشور، در انتخاب بقیه وزراء آزاد می‌بود. آزاد از قید رئیس‌جمهور و نه تصویب مجلس. کار

به آن صورت برگزار شد و ما افتادیم در همان شکل طبیعی قضیه. در انتخاب و معرفی وزیر بسیار کار شده و شاید بیش از ده نفر برای این سه وزارتخانه‌ای، که هنوز خالی است، معرفی شده باشد. ولی آقای رئیس‌جمهور معتقدند که اگر بنا به تصویب است، یعنی اگر قانون اساسی اجازه تصویب به رئیس‌جمهور داده، رئیس‌جمهور می‌تواند و باید کسی را که پیشنهاد می‌کنند، بپذیرد. منتها مشکل نخست‌وزیر این است که اگر بپذیرفت، چه کسی حکم و حاکم

باشد، که اگر بپذیرفتیم چرا و اگر بپذیرفتیم چرا. در این گیرودار روحانیت مبارز تنگونی کرده بود. در اینجا بعد از مذاکراتی که شد، که اگر اختلافی بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پیش‌آمد، قبل از ارجاع به هیات ۵ نفری در روزنامه‌ها نوشته‌نشود، که ما آن را اعضاء کردیم. بعد رئیس‌جمهور در اینجا گفت که انتخاب بقیه وزراء را در اختیار امام گذاشته‌ام. من بعد خدمت امام رسیدم و گفتاری‌هایم را توضیح دادم. امام قبل از هر چیز فرمودند که من میل دارم اختلاف بین شما حل شود. امام گفتند که در انتخاب وزراء دخالت نمی‌کنند و از ما خواستند که همان هیات ۵ نفری اختلافات را حل کنند و ایشان آقای موسوی اردبیلی را تصویب کردند. من با آقای موسوی اردبیلی ملاقات کردم و مطلب را توضیح دادم. آقای موسوی خارج شخصی است که آقای موسوی اردبیلی وی را کاملاً می‌شناسند که مردی است

مدعی پیروزی و پشتیبانی از خط امام بود، نمی‌توان از گذشته ظلمت‌بار جدا شد، امروز از انقلاب دفاع کرد و فردا این کشور را از نو ساخت.

خصلت خلقی خط امام خمینی، که وجه‌شخصه‌بارز و عمیق‌مردمی آنست، همراه وجه‌صدام‌پراییستی آن، راه‌گشای افق آینده است. این خصلت، وظیفه هر انقلابی راستین را در نبرد با استثمار و ظلم، با استکبار و ستم روشن میکند و چگونگی چیرگی باقی نماند. حجت بر همه‌کس تمام شده است. معلق‌زدن و بندبازی - چه به سبک محافل لیبرال و سازشکار و چه به شیوه روحانی‌نمایان و محافل ارتجاعی ضدخط امام - برای بهم‌دوختن منافع مستکبران و مستضعفان و درهم‌آمیختن مصالح بهره‌کشان و بهره‌دهان مقدور و عملی نیست. اگر آشکارا و قاطعانه و بی‌پرو برکرد طرفدار مستضعفان باشیم و ریشه «ملکه‌دارها و سرمایه‌دارها و خانها و قلدرها» را از بین ببریم، هر قدر هم زیر نام صفات و جنت‌سکانی پنهان شویم، هر قدر هم ظاهر فریب باشیم، همان حکومت طاقتور و ادامه همان دوران ظلمت را خواهیم داشت. اگر هم کسی مژورانه، زیر لوای «اسلام»، بخواهد از قلدرها و بزرگ‌مالکان و صاحبان سرمایه و مالکیت نامحدود آنها دفاع کند، اسلام او آمریکائی است، قلدری است، ظلمت‌ساز است و سبک‌گفته امام خرقه او مستوجب آتش است.

اسلام راستین، اسلام خمینی، جانب پابره‌ن‌ها و مردم کوچک و بازار و کوخ‌نشین‌ها و زانغ‌نشین‌ها را میگیرد و «طریق‌اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کند». «باید مردم را نگاهداریم.» «دولت باید خدمتگزار ملت باشد.»

از انتخاب در این مسئله حیاتی، هیچ‌کس را گزیری نیست. بر سر این دوراهی است که محک‌خا زده میشود و معیار انقلابی بودن آشکار میگردد. و مسامانه و مجدانه و بی‌گیرانه پشتیبان این خصلت خلقی خط امام و محتوی ضداستعماری و ضدسرمایه‌داری و ضد بزرگ‌مالکی آن بوده‌ایم و هستیم.

وقادار به این متنی اصولی و انقلابی، ما از هر تصمیم واقدامی که در جهت محدود کردن، ضربه‌زدن و نابود کردن سلطه سرمایه‌داری غارتگر و زمین‌داری بزرگ باشد، حمایت کرده‌ایم و میکنیم و از هر تدبیر و عملی که به حکومت توده‌محرم و زحمتکش بی‌انجامد و منافع طبقاتی آنها را در نظر بگیرد، پشتیبانی کرده‌ایم و خواهیم کرد. ما این مسئله و این روش راهمین امروز برای مقابله با توطئه‌های شیطان بزرگ - آمریکا، اعم از توطئه‌های نظامی با دستپاچه‌ای عوامل تجاوزکاری چون صدام، توطئه‌های اقتصادی، محاصره و خرابکاری، توطئه‌های سیاسی بیاری عوامل منقلبه‌ای از خارج، یا لیبرال از داخل، مسئله‌های حیاتی و مهم و دشمن‌شکن میدانیم و آنرا وسیله بسیار مؤثر و اساسی بمنظور جلب توده‌های میلیونی به انقلاب و رفع ناراضی‌ها و دل‌سردی‌ها و بسیج شور انقلابی آنها و غلبه بر مشکلات می‌شماریم. در فرآیند همین نیز آنرا تنها راه «بیشرفت و تعمیق انقلاب و شکوفائی آن، غلبه بر عقب‌ماندگی‌های بیشمار واجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و رسیدن به استقلال و آزادی واقعی، سربلندی و مناعت بشری، شکست‌ناپذیر شدن در برابر هرگونه توطئه امپریالیسم و هر نوع تلاش عمال داخلی آن میدانیم.

منشی ما در این زمینه حیاتی نیز اصولی، انقلابی و استراتژیک؛ مشحون از اندیشه همگامی و تشریک مساعی کلیه نیروهای راستین انقلابی برای حال و آینده میهن ماست.

سخنان مکرر امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بیان این اصل اساسی و تاریخی‌ساز است که: شایسته‌انقلاب و نیاز انقلاب، «حکومتی است که برای مستضعفان باشد.»

روابط عمومی سپاه پاسداران سقز:

ملت‌ماسعی تمام بر نابودی آمریکا دارد

بدنبال تظاهراتی که در ارتباط با بازگشایی مدارس راهپایز دبیرستانهای شهرستان سقز صورت گرفت، روابط عمومی سپاه پاسداران این شهرستان، تحت عنوان «شانزده آذر، روز دانشجو را گرامی میداریم» اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه، با تأکید بر اینکه امپریالیسم آمریکا «خشن‌ترین مرد ستمگانی هالیوود را به مصاف با ما فرستاده...» از جمله آمده است:

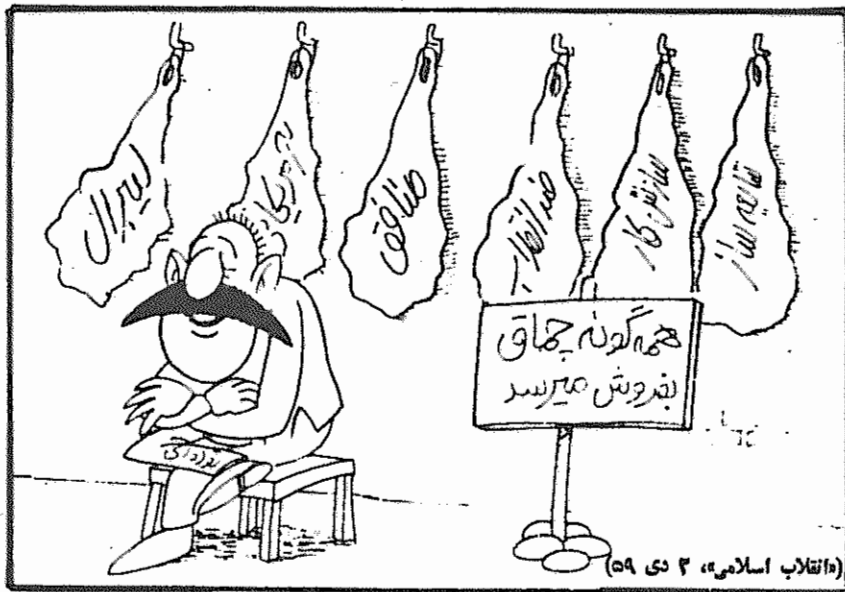
«ملت ما سعی تمام بر نابودی آمریکادارد و درگیر بیاید داخلی که از اول پیروزی انقلاب تاکنون بدست ستون پنجم آمریکا ایجاد شده است، مسیر مبارزه ما را علیه آمریکائیت تغییر نیندھد و انقلاب چنانکه گفتیم، همچنان در ضدیت به آمریکا و نابودی او قدم بر میدارد.»

در بخش دیگری از این اعلامیه، ضمن تشریح حادثه تأکید شده است که امروز روز علم و دانش است و اسلام با علم موافق است.

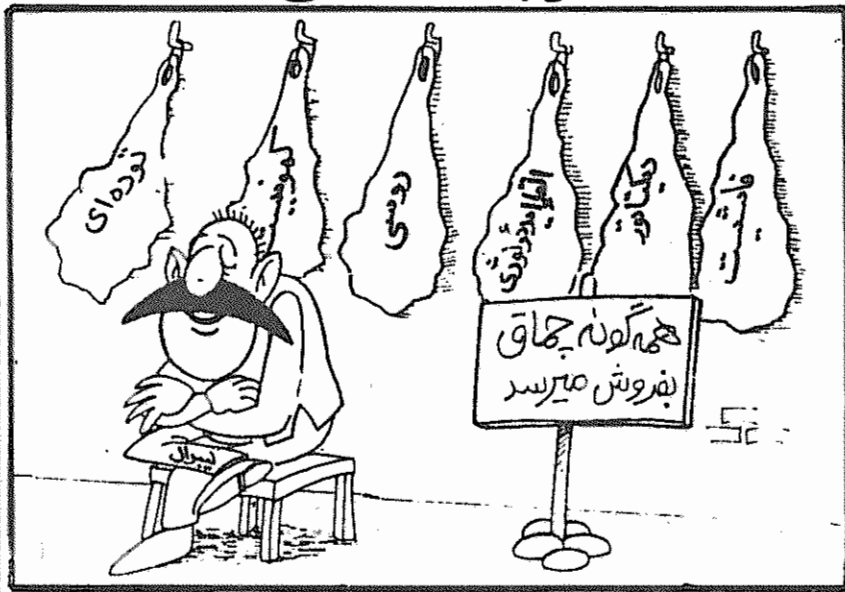
در پایان اعلامیه سپاه پاسداران سقز، تصریح شده است که سپاه در مقابل خودفروختگان آمریکایی ساکت نمی‌نشیند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

به زبان لیبرالی



ترجمه به فارسی



همدردی...

بقیه از صفحه ۱
دلیجان، و روستاهای «گیو» و «مستجر» بکلی ویران شده‌اند. از فرمانداری قم درخواست شده است که هرچه سریعتر به آسیب‌دیدگان این مناطق یاری دهد.

بموقع مسئولان امور و با پشتکار و کوشش خود، بن این مشکل نیز فائق خواهند آمد و همچنان ضمن تقویت سنگر نبرد با امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، قاطعانه برای جبران خرابیها و نوسازی دهسات و احیاء کشت خواهند کوشید.

رئیس هیئتمدیره اتحادیه کمونیستهای جوان سوئد: اگر اتحاد شوروی به تقاضای رهبران افغانستان پاسخ نداده بود، اینک افغانستان بعنوان کشور آزاد وجود نداشت

برنتورم، رئیس هیئتمدیره اتحادیه کمونیستهای جوان سوئد به افکار عمومی کشور توصیه کرد که هبستگی خود را با ملت افغانستان تحکیم کنند و توطئه‌های امپریالیستی را علیه دستاوردهای انقلاب نور این کشور افشاء کنند. برنتورم، که از افغانستان دیدن کرده است، در روزنامه «گروینگن» نوشت: «اگر مردم افغانستان داروسته امین را سرنگون نکرده بودند و یا اگر شوروی به تقاضای رهبران افغانستان پاسخ مثبت نداده بود، امروز دیگر افغانستان بعنوان یک کشور مستقل و آزاد وجود نداشت.»

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۴
بطور سریایی درمان شدند. همچنین در ساعت ۱۵:۰۳ روز دوشنبه درگیری درطولجبه‌های آبادان و خونین‌شهر جریان داشته است. خبرگزاری پارس از اهواز نیز گزارش داد: در طول روزهای یکشنبه و دو شنبه نبرد توپخانه در جبهه کرخه در غرب منطقه اندیشک بین رزمندگان انقلاب و متجاوزین ادامه داشت که طی آن ۵ تن از مدافعان انقلاب مجروح شدند و از تلفات نیروهای دشمن اطلاعی در دست نیست. شهر دزفول نیز زیر آتش نیرو-های مزدور دشمن قرار داشت. در جبهه سوسنگرد ساعت ۱۷:۳۰ روز یکشنبه یک اکیپ از نیروهای انقلاب در حمله به قلب دشمن

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در ساری:

توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا را خنثی کنیم!

* حوادث اخیر ساری گوشه‌ای از نقشه آمریکا برای اجرای توطئه هفتم است. مردم قهرمان ساری!

اکنون که تهاجم رژیم جنایتکار صدام به ایران انقلابی، که به‌ناشانه و حمایت امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، انجام شده، با شکست روبرو شده است، امپریالیسم آمریکا درصدد اجرای توطئه تازه‌ای برای نابودی انقلاب ایران برآمده است. توطئه جدید آمریکا، که هفتمین توطئه شیطان بزرگ علیه انقلاب خونین مردم ایران است، سه هدف اساسی را دنبال می‌کند، تا با استفاده از آنها، ضربه نهایی را به‌انقلاب ایران وارد آورد: ۱- تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقلابی و مسئولان کشور، ۲- بدبین کردن توده‌ها به رهبر انقلاب، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و سایر نیروهای انقلابی مانند حزب توده ایران، ۳- ایجاد تشنج و درگیری در سراسر کشور برای خلع کردن زندگی.

اکنون سرمایه‌داران وابسته و مالکان بزرگ و ساواکیها، بکمک لیبرالها و مائوئیستها سرگرم پیاده کردن نقشه امپریالیسم آمریکا هستند. درست بهمین دلیل است که در گوشه و کنار ایران هرروز شاهد حوادث تاسف‌باری هستیم. در روزهای اخیر، چنانکه مردم قهرمان ساری باخبر هستند، این شهر هم از گزند حوادثی که برانگیزنده آن امپریالیسم آمریکاست، در امان نمانده است.

روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۵۹، ضدانقلاب دست به یک عمل فاشیستی زد و یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران را به قتل رساند. بدنبال این واقعه جو شهر متشنج شد. متأسفانه نیروهای که جای واقعی آنها در کنار خلق است، بدام توطئه دشمن افتادند و در کنار گروهکهای ضدانقلابی چون «پیکار»، «رزمندگان» و دیگری «ترجمه‌های پوکه» علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغات گسترده‌ای راه انداختند. هنوز شهر در التهاب این حادثه اسفناک بود که ضدانقلاب، با استفاده از جو آشفته شهر، حادثه دیگری آفرید و با انفجار فارتجک در خیابان اصلی شهر، چند عابر بیگناه را زخمی کرد.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان ساری ضمن محکوم کردن قاطعانه این حوادث، که آنها را تنها و تنها بسود منافع غارتگران آمریکائی و ضدانقلاب داخلی میدانند، اعلام میدارد که این درگیریها برای انحراف افکار عمومی از جبهه اصلی نبرد است. هدف امپریالیسم خونخوار آمریکا و ضدانقلاب داخلی از این حادثه آفرینی‌ها اینست که توجه توده‌های خلق و نیروهای انقلابی را از جبهه جنگ با نیروهای تجاوزگر صدام، که خود بخشی از توطئه‌های امپریالیسم

آمریکا است، منحرف کند و با کشودن جبهه‌های متعدد در درون خلق، تخم نفاق و بدبینی و یاس را بین مردم بپراکند.

مردم قهرمان ساری، نیروهای انقلابی!

در دام آمریکای خونخوار، که خواب غارت و کشتار دوباره خلق ما را می‌بیند، نیفتیم. در این لحظات حساس که امپریالیسم آمریکا در کار پیاده کردن توطئه هفتم خود برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، وطن انقلابی ما به‌وحدت همه نیروهای خلق زیر رهبری امام خمینی نیازدارد، تا بتواند توطئه جدید امپریالیسم آمریکا را نیز خنثی کند.

براساس این واقعیت است که سازمان حزب توده ایران در ساری از کلیه مقامات مسئول شهر، مسئولان متهمه، حاکم شرع، دادستان دادگاه انقلاب و تمامی احزاب، سازمانها و گروههای مومن به انقلاب انتظار دارد که همه امکانات خود را برای جلوگیری معقولانه از درگیریهای ساری، که خطر گسترش آنها می‌رود، بکار اندازند و تگذارند تشنج بیش از پیش ادامه یابد.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان ساری از مردم قهرمان ساری میخواهد که با هشیاری خود توطئه جدید امپریالیسم آمریکا را خنثی کنند.

ما از مقامات مسئول انتظامی و قضائی شهر، بویژه حاکم شرع و دادستان انقلاب میخواهیم که به وظیفه انقلابی خود عمل کنند و هرچه زودتر عاملان حوادث اخیر و بویژه قاتل یا قاتلین هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران را دستگیر سازند و به مجازات برسانند. سازمان حزب توده ایران در ساری - سازمان شهرستان ساری - سازمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران، بر این باور است که سازمان هواداران آن در ساری میخواهد که شرایط حساس کنونی را درک کنند و در تخفیف تشنجات شهر سهم شایسته و انقلابی خود را ادا نمایند و باین ترتیب - چنانکه از آنها انتظار می‌رود - حساب خود را از عناصر ضدانقلابی و لیبرالها و مائوئیستها جدا کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا! برقرارباد جبهه متحد خلق! بیروزباد مبارزه نیروهای انقلابی برای سرکوب توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان ساری ۱۳۵۹/۹/۳۰

وزیر کشاورزی...

بقیه از صفحه ۱

رفتار آنها نسبت به یکدیگر و خارجیهما. من قبل از بازگشت به ایران سالها در آمریکا تحصیل کرده‌ام. بهرحال هند از بازگشت، بعد از یک بررسی دقیق، اکنون احساس علاقه می‌کنم که برگردم و بکوشم یک‌شهروند مفیدی برای آمریکا باشم، چنانچه اشکال زیادی نداشته باشد.

من مدرك دکتری و فوق‌لیسانس در اقتصاد کشاورزی و لیسانس در آموزش کشاورزی و اضافه بر آن مدرك لیسانس در کشاورزی عمومی دارم. دارائیم پانصد هزار دلار می‌باشد. من بیست سال سابقه تجربه در اداره يك مزرعه بزرگ همزمان با آموزش و تحقیقات کشاورزی دارم. من فکری میکنم با مهاجرت به آمریکا می‌توانم سرمایه و امتیازی برای آنجا باشم و مطمئناً در بدترین موارد خارتی برای کشور منتخب خود نداشته باشم.

من راجع به فرم‌های لازم از کنسولگری آمریکا در شیراز تحقیق کردم و بمن گفته شد فرم اطلاعات بیوگرافی را جهت ویزا پرکنم و آنرا به قسمت وی، آی سفارت آمریکا، صندوق پستی ۵۰ تهران-ایران، بفرستم. من این کار را انجام دادم و آنرا در سپتامبر ۱۹۷۷ فرستادم. همچنین بمن گفته شد که اطمینانی نیست که ویزا صادر شود. و نیز بین ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشد تا جواب دریافت کنم.

در اینزمان من هیچ جوابی راجع به پیشرفت کار دریافت نکرده‌ام و از آنجائیکه این امر برایم اهمیت بزرگی دارد تاحدودی تکران شده‌ام. من کوشیدم بوسیله تماس گرفتن با بخش مهاجرت در تهران بفهمم چه پیشرفتی حاصل شده است، اما دریافتیم که آنها هیچ نسخه‌ای از موضوع ندارند. سپس من شخصاً به مهاجرت تهران قسمت صدور ویزا رتم و دو روز در نوبت گذراندم و متوجه شدم که آنها هم‌نسخه‌ای از تقاضایم ندارند. سرانجام دیروز هشتم ژوئن ۱۹۷۸ با شخصی در دفتر مهاجرت تهران تماس گرفتم و او به من گفت که این مسئله نه‌تنها ۵ تا ۱۲ ماه بلکه ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد، آیا می‌توانید با بررسی این موضوع بمن کمک نموده و مرا در جریان بگذارید، که این تقاضایم در چه مرحله‌ای است. ۲- زمان تقریبی که مجبورم سیر کنم؟ من واقعا از شما قدرانی می‌کنم، اگر اینرا برایم انجام دهید. با سپاسگزاری علیمحمد ایزدی

توضیح. علی محمد ایزدی می‌بیند که پذیرفته شدن تقاضای او برای مهاجرت در آمریکا طول می‌کشد و از تقاضا صرفنظر می‌کند، ولی بلافاصله با پاسپورت غیر مهاجرتی (معمولی) به آمریکا سفر می‌کند.

سئوال از آقای دکتر ابراهیم یزدی

حجت‌الاسلام سیدحسین خمینی چندی پیش در يك گفتگو با روزنامه اطلاعات (۵۹/۹/۱۲) از جمله گفت: «قبلاً زاده... میگفت آقای یزدی گذرنامه و یا برگ سبز از آمریکا گرفته است، یعنی از قراری که میگویند، این يك نوع تصدیق است که به آمریکا خیانت نکنند...» سئوال از آقای دکتر ابراهیم یزدی: آیا شما دکارت سبز از دولت آمریکا دارید؟



استانیسلاو کانیا گفت: نوسازی و احیاء لهستان باید به تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منجر شود

اولین اجلاس کمیسیون مامور تدارک کنگره فوق‌العاده حزب متحد کارگری لهستان به ریاست استانیسلاو کانیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب، تشکیل شد. کانیا در این اجلاس گفت: «وظیفه کنگره فوق‌العاده این است که پاسخشکوئی چگونگی حل و فصل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور باشد.»

«جریان نوسازی و احیاء کشور باید هم منافع سوسیالیسم را در لهستان ارتقاء دهد و هم به تحکیم اتحاد و دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منجر شود.» استانیسلاو کانیا، روش غرب را در برابر رویادهای لهستان ریاکارانه خواند و گفت: «محافل برجسته ناتو و دیگر مراکز سیاسی از عدم مداخله صحبت می‌کنند، اما درواقع سخنان تحریک‌آمیز بر زبان می‌رانند.»

تزاپذیرستی در آمریکا به شدت اعمال می‌شود

نشریه چاپ‌شوروی بنام «آمریکا: اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی» نوشته است:

«نظام حاکم بر آمریکا با زیربا گذاشتن اصول حمایت‌یکسان در برابر قانون برای همه، که چهاردهمین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا آنرا بنیان نهاد، به‌نقض آشکار این قانون درمورد توده‌های سياهان، آمریکائی‌ان اسپانیایی‌زبان و سرخپوستان ادامه می‌دهد.» این نشریه نوشته است:

«در آمریکا بیشتر از هر کشور دیگر سرمایه‌داری - بجز آفریقای جنوبی - زندانی وجود دارد و تزاپذیرستی مهم‌ترین دلیل آن است. نسبت شمار زندانیان سياه به سفید (نسبت به جمعیت) ۸۵ برابر است. در دادگستری آمریکا اغلب حقوق مدنی مربوط به حمایت برابر در برابر قانون را، در جایی که به سرخپوستان مربوط می‌شود، بکلی نادیده می‌گیرند.»

دانشمندان و هنرمندان مترقی در آمریکا تحت فشار قرار دارند

در شهر دیترویت آمریکا، برای حمایت دفاع از دانشمندان که نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارند، پول جمع‌آوری می‌شود. این دانشمندان از جمله شامل اساتید دانشگاهها و کالج‌ها هستند که بخاطر افکار تری‌توانخانه‌خورد

ستاد امداد پزشکی خوزستان در تماس با خبرگزاری پارس اعلام کرد: در طول روزهای دوشنبه و یکشنبه يك مجروح از شهر اهواز و ۹ مجروح از حمیدیه، سوسنگرد و جبهه محمدیه به بیمارستان‌های اهواز انتقال یافتند.